

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 28

سری سوم، شماره 28

October, 2014

آبان ماه 1393

The Organization for Emancipation of Women

نشریه سازمان رهایی زن شماره 28

جامعه رهایی معیار زن رهایی

RahaiZan.Org



سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati

Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Email: shararehzeaei.p@googlemail.com

Managing editor: Sharareh Rezaei

## عناوین

10 اکتبر روز جهانی مبارزه با اعدام  
تلخ اما یک گام به جلو!  
یک هفته شد که از پدرم هیچ خبری نیست و ناپدید شده است!  
یک واقعت تلخ و دین سراسر دروغ و کشتار اسلام  
اعدام ریحانه جباری  
ریحانه جباری  
نوشته ای برای یک باتو... که ندیده شده ... نه شنیده شد...  
من دختری هستم که در 17 سالگی خخته ام کردند  
شعری از: شراره رضایی "برای زنان کوبانی"  
هنری: سوراخ هایی برای سکوت... گفته ای بر ناکفته های وونگکار-وای  
صفحه خبری: فراخوان مردم اصفهان به تجمع اعتراضی علیه اسیدپاشی بر روی زنان در مقابل دادگستری اصفهان  
صفحه اطلاعات و مشخصات تماس با رهایی زن و پخش برنامه های تلویزیونی

اطلاعه سازمان رهایی زن در مقاومت کوبانی "فریاد کوبانی باشیم"  
جنسیت و حق تحصیل در دانشگاه  
زنان کوبانی، الگوی رهایی زنان در سراسر جهان  
وضعیت زنان در افغانستان تا چه حد نسبت به گذشته تغییر کرده  
تفکیک جنسیت نشانی از زن ستیزی و اعمال تبعیض  
توانمندی زنان  
افزایش آمار طلاق در ایران  
دیانا نامی از فعالین حقوق زنان، بعنوان زن سال انتخاب شد  
ترجمه شعری از ناظم حکمت "تقدیم به قهرمانان زن و مرد کوبانی"  
ما را ببخش!

باتوجه به اینکه نظرانی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگوئی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگوئی به این نظرات کوشا باشند.

مینو همتی

با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی و..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به

Markazi@RahaiZan.org

آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.

اطلاعیه سازمان رهایی زن در مقاومت کوبانی

فریاد کوبانی باشیم!

در جهانی که همه روزه هزاران انسان قربانی بیعدالتی نظامهای حاکم هستند، مقاومت مردمی امری روزمره و عادی بشمار میآید، لیکن در مقاطعی از تاریخ این مقاومت و روبرویی از برجستگی خاصی برخوردار میشود. منطقه خاورمیانه بیش از سه دهه میدان تاخت و تاز جریانات رنگارنگ ارتجاع اسلامی قرار گرفته و در آخرین پرده آن شاهد قدرت گرفتن وحشیتترین جریان اسلامی موجود یعنی خلافت اسلامی هستیم. همگان میدانند که ارتش عراق در مواجهه با این وحوش فرار را برقرار ترجیح داد، لیکن مردم زحمتکش شهری گمنام در مرز ترکیه و سوریه با مقاومتی استثنائی از زنان سالخورده تا دختران جوان، مرد و زن در کنار هم سلاح بردوش بدفاع از شرف انسانی خود در مقابل و وحوش خلافت اسلامی قد علم کردند و نام کوبانی را در سرلوحه خیرگزاریهای جهان حک کردند. در هفته های اخیر از سوئی ما شاهد نبردی نابرابر ولی حماسی در



دفاع مردمی از کوبانی و از سوی دیگر طفره رفتن قدرتهای جهانی از امداد رسانی جدی برای جلوگیری از یک فاجعه انسانی بوده ایم. مردم در شهرهای سنج، تبریز و دیگر نقاط ایران و منطقه از هر طریق ممکن سعی کردند و میکنند که صدای فریاد کوبانی باشند. سازمان رهایی زن پشتیبانی کامل خود را از این کمپینهای اعتراضی و حمایتی اعلام میدارد و از کلیه انسانهای شریف میخواهد پژواک فریاد مردم مقاوم کوبانی باشند.

سازمان رهایی زن

چهاردهم اکتبر 2014

<http://www.RahaiZan.org>

منتخب عکس هایی از اعتراضات مردمی در حمایت از کوبانی





قبل از باز شدن دانشگاه ها و آغاز سال تحصیلی، دولت در ادامه ی تبعیض های جنسیتی اش در دانشگاه ها به زنان یادآوری کرد که امسال هم همچون سال های گذشته تبعیض های جنسیتی به شدت ادامه دارد و هر روز آپارتاید جنسی شدت بیشتری خواهد یافت.

طرحی را که مجلس دولت روحانی برای تبدیل کردن به قانون مطرح کرده طبق ماده 10 آمده است 5 سال پس از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون جذب افراد مجرد به عضویت هیات علمی در تمامی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و غیر دولتی و معلمان مدارس در تمام مقاطع تحصیلی ممنوع است. این پیامی ست به زنان که هرچقدر هم که تلاش کنید و درس بخوانید در نهایت ما خانه نشین تان خواهیم کرد چه با فرزند چه بی فرزند، چه متاهل و چه مجرد، اگر مجرد باشید دولت شما را وارد چرخه های اقتصادی نخواهد کرد و اگر متاهل باشید و فرزند داشته باشید طبعاً هیچ کارفرمایی حاضر به جذب زنان متاهل نیست زیرا احتمال درخواست زنان متاهل از مرخصی های زایمان طولانی مدت، طرح

وجود دارد و هیچ سرمایه داری حاضر نیست حتی ساعتی از سود سرمایه اش بکاهد و خودش را به دردسر بیندازد.

آمار نشان می دهد تعداد پسران محصل در دوران ابتدایی نسبت به دختران بیشتر است با این وجود در سال ها اخیر 65% از شرکت کنندگان کنکور سراسری دختران بودند. ارتقاء سطح آگاهی و رشد زنان دولت عقب مانده و مرتجع را به وحشت انداخت و دولت درصدد چاره جویی برآمد تا زنان را از میدان بدر کند. سال 82 شروع سهمیه بندی جنسیتی در دانشگاه ها بود و در سال 91 به اوج خود رسید. در همین سال ظرفیت ورود 11 هزار و 500 نفر پذیرش زنان حذف شده و در 36 دانشگاه ظرفیت پذیرش زنان صفر بود. در سال 67 شورای نظارت بر وزارت علوم، سهمیه دختران از 20 درصد در علوم آزمایشگاهی و پرستاری را به 10 درصد در پرستاری و مامایی تغییر یافت. همچنین زنان تنها در رشته های کتابداری، علوم سیاسی و علوم تربیتی حق تحصیل خواهند داشت. عملاً زنان در رشته های مهندسی، کشاورزی، مدیریت صنعتی، معماری و مکانیک، برق فشارقوی، کشتی سازی، اسکله سازی، سازه های دریایی، هتل داری، حسابداری، مددکار اجتماعی جایگاهی ندارند و دانشگاه ها اعلام کرده اند تنها دانشجوی مرد را خواهند پذیرفت. از طرفی دیگر طرح هایی مانند بومی گزینی از سدهایی ست که بر علیه زنان و آپارتاید جنسیتی به شکلی بیش مانده ورود زنان را در عرصه های اقتصادی و یافتن کار سخت تر می کند.

مزدوران نماینده زن مجلس از این تبعیض ها دفاع کرده و فریبکارانه آن را تبعیض مثبت می داند و این تبعیض ها را به سود زنان می دانند و رُل دایه مهربان تر از مادر را بازی می کنند و استدلالشان این است که

زنان با پزشکان مرد دچار مشکل هستند و این طرح به سود خانم هاست. همینطور به بهانه اینکه در رشته ها در بازار کار جایگاهی برای زنان وجود ندارد و این رشته ها مردانه است، زنان را از حق انتخاب محروم می کنند.

بکار بردن کلمه ی "رشته های مردانه" بار منفی تبعیض و تحقیرآمیزی را دارد که تنها از ذهن عقب مانده و بیمارگونه ی اسلامیون و مذهبیون نشأت میگیرد که خلاقیت، استعداد، علایق را در نطفه خفه می کند و زندگی زنان را مهار و تحت کنترل می گیرد. در دنیایی که پیشرفت علم و دانش و اقتصاد در دستان متخصصین است. زنان تنها حق تحصیل در رشته هایی بدون تخصصی که بازار کاری ندارند را دارند. دولت تمام سعی و تلاشش را می کند تا به هر نحوی حتی حداقل های عرصه های اقتصادی را هم از دست زنان گرفته و آنها را از بازار کار حذف کند.

دولت ها و دنیای متمدن موظف است که امکانات اشتغال و شرایط یکسان را برای همگان ایجاد کند. تبعیض مثبت، تبعیضی ست که دولت موظف باشد امکانات را برای زنان که همواره از حداقل امکانات آموزشی، تحصیلی، یادگیری و بالا بردن توانمندی هایشان، استعداد هایشان، علاقمندی هایشان محروم بوده اند برای آنها فراهم کنند تا خودشان تصمیم بگیرند که ادامه ی تحصیل در چه رشته ای به سود یا زیانشان است. زنان وکیل و وصی نمی خواهند.

دولت عقب مانده اسلامی، زن را قربانی می کند تا اولاً به تفکرات پوسیده و زن ستیزشان برای خانه نشین کردن و افزایش جمعیت نزدیک شوند و از سویی دولت بی کفایت و درمانده از

پیدا کردن راه حلی برای نرخ بالای بیکاری و اقتصاد بحران زده ش با این وسعت بیکاری و اخراج گسترده کارگران سبب گشته است و این زن است که این توان را می پردازد و قربانی بازی کثیف نظام سرمایه داری می شود.

باید بر علیه قوانین زن ستیزی که زن را حتی نه به اندازه ی جنس دوم تحقیرش می کند و تحت کنترل خود در می آورد، برایش تعیین و تکلیف می کنند و آپارتاید جنسی را در تمام ابعاد زندگی به او تحمیل می کنند و از حق انتخاب رشته، از انتخاب زندگی، از امکان شغلی ترضیع می کنند. باید مبارزه کرد. این تنها بدست مبارزات مردمی علیه کل آپارتاید جنسی با تمام ابعادش امکان پذیر است.

17 اکتبر 14

دست مذهب از

زندگی خصوصی

مردم، خصوصاً

زنان و کودکان

کوتاه!

دبیا علیخانی

کوبانی اسطوره مقاومت و پایداری به نماد رهایی زن و سنبل آزادیخواهی و عشق به انسان و نهراسیدن از مرگ برای جهانیان تبدیل شده است . یکی از نمادهای این استقامت که تمام معادلات صاحبان دنیا و متفکرین شان را بر هم زده است حضور زنان اعم از پیر و جوان در این نبرد است. زنانی متعلق به یک گوشه از جهان بنام خاورمیانه که اسلام سیاسی قرنها برای خودش تاج و تختی دارد ، زنانی از یک گوشه از جهان که مرد سالاری و مشروعیت جنس دوم بودن زن و برتر بودن حقوق برادر، پدر، شوهر، پسر و در کل مرد واقعیت تلخ و بدیهی زندگی است.

هم اکنون دو قطب در جهان نظاره گر پیکاری نابرابر و شبانه روزی در قسمتی کوچک از نقشه جهان بنام کوبانی اند. جبهه ی اول که نبض حیاتش به پیروزی و سر افزای کوبانی و قهرمانانش گره خورده است ، این جبهه نه فقط متعلق به کوبانی بلکه به قدمت تاریخ بشریت و مبارزه علیه استبداد و ارتجاع و بربریت حقانیت دارد. پیروزی کوبانی در این جنگ نابرابر سرنوشت میلیونها انسان را نه فقط در خاورمیانه بلکه در سراسر دنیا عوض می کند ، پیروزی کوبانی با حداقل امکانات و تجهیزات جنگی در عصر اتم و بمب افکن های غول پیکر بعنوان برگ برنده ای در تاریخ جنبش آزادیخواهی بشریت ثبت خواهد شد و بار

دیگر بشر به قدرت خویش برای تغییر سرنوشتی که برایش مقدر کرده اند ایمان خواهد آورد. گرچه در گذشته تاریخ نمونه مقاومت کوبانی را درجا های دیگری را تجربه کرده ، برای مثال مقاومت مردم شهر سنندج در دوره انقلاب و جانفشانی های نیروی پیشمرگه که در نوع خود بی نظیر بودند و برای همیشه نام پیشمرگه و مقاومت و شجاعت را در ذهن نسلها ماندگار کرد از این نوع است . اما خوش اقبالی که در این مقطع از زمان وجود دارد امکانات رسانه ای است که می تواند شب و روز انسانها را در هر جای دنیا از هم مطلع کند.

و اما جبهه ی دیگر آمریکا و متحدانش ، ترکیه و ..... دهها نیروی مشترک المنافع هستند که در کمال بی شرمی و وقاحت سقوط کوبانی را انتظار می کشند. اینان با هوشیاری کامل می دانند که می شود با فرزند خلف و دست پرورده خود داعش مامشات کنند . چرا که امروزه بر کسی پوشیده نیست که میلیونها بشکه نفت در تصرف داعش را نمی توان با بقال سر کوچه داد و ستد کرد و بالعکس صاحب مدرن ترین تجهیزات جنگی شدن (بوسیله داعش ) یک شبه اتفاق نمی افتد. این جبهه به خوبی می داند که پیروزی کوبانی برایش بسیار گران تمام خواهد شد و سرفصل تاریخی دیگر در جهان است . کوبانی و پیروزی زنانش رفرنسی زنده و برحق برای تمامی جنبشهای آزادیبخش در سراسر دنیا خواهد

نهایت تاریخی که به صاحبان نظم نوین جهانی و طرفداران نسبیست فرهنگی و حامیان بربریت و توحش دهن کجی می کند.

مقاومت و پایداری زن و مرد کوبانی در این نبرد نا برابر قابل تقدیر است و باید برای همت و آزاده گی شان سرتعظیم فرود آورد . شاید باید یک زن بود و آن هم زنی از یک جامعه مردسالار و مذهب زده ، تا عظمت وصف ناپذیر اراده زنان کوبانی را ستود و با پوست و استخوان درک کرد که آنها چه راه طولانی و سختی را برای دست یافتن به رهایی پیموده اند. آنها در مقابل چشمهای بهت زده ی فعالین حقوق زن اروپایی از تلاششان برای رهایی می گویند ، به این مبارزه باور دارند حتی به قیمت از دست دادن گرانبهارترین سرمایه زندگی یعنی جان خود و عزیزانشان ، دیگر نمی خواهند به عقب برگردند ، این رهایی را ارج می نهند و برای حرمت این رهایی با آغوشی باز و لبخند بر لب به استقبال مرگ می روند و پیامشان برای زنان سراسر دنیا و مخصوصا خاورمیانه این است که رهایی ممکن است ، رهایی در با هم بودن است . تک این زنان شایسته زندگی اند ، سرمایه بشری اند و براستی پیروزی آنان سرنوشت دیگری برای بشریت رقم خواهد زد. گرچه در هر حالت و تا اکنون نیز فاتحان این نبرد اند و ماندگاران قلبهای میلیونها انسان تشنه ی رهایی و آزادی و بی گمان تا نسلها الگوی رهایی برای زنان در سراسر جهان خواهند بود.

اکتبر 2014

از سایت رهایی زن دیدن کنید : <http://rahaizanorg.blogspot.com>

**با آغاز سال ۱۳۹۳ وضعیت زنان در افغانستان تا چه حد نسبت به گذشته تغییر کرده است**  
**سحر صامت، سویدن**



وضعیت زنان در افغانستان با آغاز جنگ های داخلی و نا بسامانی ها به علت ضعف فرهنگی سنتی و فقر سواد روز به روز با چالش مواجه شد اما به دلایل مختلف مانند نشر گزارش جنایات گروه ها مدیا در افغانستان فعال نبود به خصوص با روی کار آمدن حکومت منفور طالبان افغانستان به قرن ها به سوی عقب کشیده شد. اما طی این ۱۳ سال با روی کار آمدن حامد کرزی به پشتیبانی جامعه ی بین المللی وضعیت زنان و خشونت علیه زنان به صورت علنی گزارش شد و مدیا شد و همه ی مردم جهان از خشونت علیه زنان در افغانستان باخبر شدند. اگر نگاهی به سال گذشته ببینیم بیش از ۴ هزار گزارش خشونت علیه زنان به گونه های مختلف با همکاری نهادها در تهیه ی گزارش ثبت و نشر شد که به چند مورد اشاره می کنیم: ازدواج های اجباری، قتل های ناموسی، لت و کوب، خودکشی زنان، خودسوزی زنان، خشونت های روحی و روانی و خشونت جدید به نام بریدن لب و بینی زنان در افغانستان که تازه ترین گزارش این چنین خشونت مربوط به زنی ۲۰ ساله در ولایت دایکندی به نام چمن گل است و همچنان میشه به ستاره قربانی که در ولایت هرات بینی و لبش توسط شوهرش بریده شد اشاره کرد گزارش چنین رویداد ها بیشتر از ولایات غربی و جنوبی و به تازگی شهرهای سمت شمال افغانستان است که بعدا به آنها اشاره می کنیم. اما تاریخ ۰۲ ماه میزان (مهر) موسسه ی زنان افغانستان نوین با نشر گزارشی از وضعیت زنان در افغانستان می گوید: خشونت علیه زنان و موارد تجاوزات جنسی به زنان و اطفال که در ۶ ولایت قندز، تخار، جوزجان، هرات، بلخ و سرپل تحقیقات صورت گرفته است.

این نهاد با همکاری وزارت امور زنان بررسی موارد های خشونت علیه زنان و کودکان را در مدت زمان ۶ ماه انجام داد. گفته می شود: "این ۲ نهاد در این تحقیق شان دیدگاه ۵۵ درصد بانوان و ۴۵ در صد آقایان را درباره ی تجاوزهای جنسی بر بانوان و کودکان، پرسیده اند."

شفیقه حبیبی، رییس این موسسه، در یک نشست خبری گفت: "عدم مجازات و موجودیت فساد اداری در ارگان های عدلی و قضایی سبب شده تا موارد تجاوز جنسی بر زنان و اطفال افزایش یابد." حبیبی افزود: "روایت ها و چشم دیدی که پاسخ دهندگان در پرسشنامه ها درج کرده اند مستند شده که از ۲۴۵ قضیه تجاوز جنسی، ۴۰ قضیه تجاوز از سوی اعضای فامیل بوده و ۶۵ درصد تجاوز به اطفال ۶ ماهه تا نوجوانان ۱۳ ساله بوده است. در گزارش آمده است که در قضایای تجاوز به کودکان، ۲۵ کودک پس از تجاوز جان خود را از دست داده و یا به قتل رسیده اند.

بیشتر این خشونت ها از طرف پدر شوهر برادر پدر شوهر کاکا (عمو) ماما (دایی) افراد زورمند و مسلح و به تازگی از سوی چند ملا امام مسجد صورت گرفته و می گیرد.

اما اگر بخواهیم اشاره ی داشته باشیم تکان دهنده ترین حوادث در سال جاری حادثه ی پغمان بود. این رویداد در ۲۲ ماه آگوست که مطابق با ۳۱ ماه اسد (مرداد) می باشد ابتدا به صورت سرعت مسلحانه با استفاده از یونیفرم پلیس گزارش شد. اولین باری که از وقوع این حادثه باخبر شدم سری به سایت های داخلی افغانستان زدم و دیدم در ابتدا فقط گزارش شده بود که افراد مسلح آن شب به موتر (ماشین) ۴ خانواده که از ولسوالی (شهرستان) پغمان پس از اشتراک به یک محفل عروسی به سمت خانه بر می گشتند حمله کردن و زیور آلات زنان را سرعت کردند. اما پس از چند ساعت خبرگزاری ها از تجاوز گروهی به ۳ زن و ۱ دختر که در میان آنها زنی باردار هم بوده به کرات صورت گرفته این گزارش نه از طریق پلیس بلکه از طریق شفاخانه (بیمارستان) رابعه ی بلخی صورت گرفت.

زمانی که زنان با لباس های پاره و اوضاعی نا مناسب حدود ساعت ۴ صبح به شفاخانه انتقال داده شدند توجه مسولین را به خود جلب کردند و زمانی که دکتران برای معاینه ی مریضان رفتند قربانیان حتی به پزشکان زن اجازه ی معاینه را نمی دادند به گونه ی که یک شوک عصبی به آنها وارد شده بود به خصوص دختر ۱۸ ساله ی که بیش از ۱۰ بار بر وی تجاوز صورت گرفته بود از وضعیت وخیم روحی و جسمی به سر می برد. در این هنگام مسولین با پلیس کابل ارتباط برقرار می کنند و طی تحقیقات متوجه می شود که این زنان به حادثه ی گزارش شده ی چند ساعت پیش در پغمان مرتبط می شوند.

از جایی که افغانستان یک کشور بسیار سنتی و مذهبی است مردان احساس حقارت کردند تا این رویداد را گزارش بدهند حثیتا جای که خودم تحقیق کردم

زنان قربانی برای اینکه شناسایی نشود و گزارشگر ها با آنها گفتگو نکنند چند ساعت بعد از شفاخانه فرار کردند. حتی در لیست پذیرش شفاخانه هم نام هایشان درج نشده است.

پس از وقوع این حادثه و نشر گزارش ها از طریق تلویزیون و مطبوعات به مردم افغانستان به خصوص کابل نشینان و پغمان نشینان شوک شدیدی وارد شد. در حدی که تعدادی از شهروندان از رفتن دخترانشان به مکتب (مدرسه) برای چند روز خودداری کردند. زن ها بیشتر احساس خطر و نا امنی کردند. از سوی دیگر کاربران شبکه های اجتماعی این حادثه را تقبیح کردند و واکنش تند از خود نشان دادند و از مجریان قضایی کشور خواستار اجرای عدالت شدند. فعالین جامعه ی مدنی هم در سراسر کشور هم خاموش ننشسته و با اشتراک درگردهمایی ها خواهان بررسی دقیق و اعلام حکم منصفانه و دفاع از حقوق زنان قربانی این حادثه شدند. بانوان فعال نیز در ملاقاتی که با کرزی داشتند از وی خواستند تا هر چه زودتر حکم اعدام متجاوزین را امضا کند. اما از طرف دیگری تعدادی مخالفت کردند با اجرای حکم اعدام متجاوزین.

مجرمین که تعدادشان ۱۰ نفر بود پس از وقوع این حادثه از محل رویداد پا به فرار گذاشتند اما پس مدتی ۵ تن آنها در کابل بازداشت و ۲ تن دیگر توسط پلیس غزنی بازداشت شدند همچنان پلیس برای دستگیری ۳ نفر دیگر هم تلاش می کند. برای ۷ تن از این مجرمین در دادگاه ابتدایی با حضور دیگر متضررین و شاهدان حکم اشد مجازات به علت سرعت های مسلحانه و استفاده از لباس پلیس صادر شد و جالب از همه برای من این بود که هیچ مجازاتی

ادامه در صفحه 9

**بحث تفکیک جنسیتی نشانی از زن ستیزی و اعمال تبعیض آشکار است**  
**مژگان حاصلی**



مینو همتی در گفتگو با مژگان حاصلی فعال حقوق زنان و خبرنگار در سوئد به بحث تفکیک جنسیتی که نشانی از زن ستیزی و اعمال تبعیض آشکار است می پردازند.

با توجه با اینکه طرح تفکیک جنسیتی در جمهوری اسلامی بحث جدیدی نیست اما به مرور زمان و با جدیت بر بخش های گسترده ای از زندگی شخصی و شغلی افراد سایه انداخته است.

تفکیک جنسیتی در محل کار چندی پیش از سوی شهرداری تهران مطرح و به نوعی با صورت دستوالعمل اداری آغاز شد و بلافاصله انتشار این خبر واکنش های مختلفی را به همراه داشت.

**رهایی زن :** ابتدای این بحث از یک مصوبه که گفته می شود توسط معاون هماهنگی و امور مناطق شهرداری ابلاغ شده، در رسانه های منتشر شده است، پیرامون این مطلب لطفا توضیح بدید؟

**مژگان حاصلی :** براساس این مصوبه به مدیران ارشد و میانی شهرداری تهران دستور داده شده است که صرفا از کارمندان "آقا" جهت سمت هایی مانند مسوول دفتر، منشی، اپراتور تلفن، تایپیست و مسوول پیگیری استفاده شود و پس از اینکه این مصوبه ناگهان به بیرون درز کرد رسانه های داخل و به خصوص خارج از کشور هم بصورت گسترده به آن پرداختند و این واکنش ها پیامد های بسیاری را به همراه داشت.

**رهایی زن:** لطفا درمورد صحبت ها و واکنش ها قالیباف و مقامات قوه قضاییه در این ارتباط توضیح بدید؟

**مژگان حاصلی :** محمدباقر قالیباف، شهردار تهران، روز جمعه ۲۷ تیرماه ضمن دفاع از طرح جداسازی زنان و مردان در شهرداری اعلام کرد که نباید

گرفته اند. عربستان سعودی یکی از کشورهای است که همواره در این مورد مثال زدنی بوده است و در حال حاضر بین کشورهای اسلامی، عربستان سعودی سخت ترین قوانین مربوط به جداسازی جنسیتی را اعمال می کند. به طور مثال، کلیه مدارس و دانشگاه ها از نظر جنسیتی جداسازی شده است و یا هیچ مدرسه و یا مرکز آموزشی مختلطی در آن وجود ندارد.

در قوانین عربستان سعودی، اشتغال زنان به کارهایی جز تدریس و پرستاری ممنوع است؛ همچنین کار کردن زنان در محیط مردان ممنوع دانسته می شود.

زن و مردی که با هم در معرض دید عموم ظاهر شده اند، از آن ها خواسته می شود مدرکی ارائه دهند که نشان دهد آن ها با هم محرم هستند؛ اگر زنی به جرم همراهی با مردی که با او نسبت خویشاوندی نزدیک ندارد دستگیر شود، ممکن است به فحشا متهم گردد. همچنین رستوران ها از فروش کالاهای خود به زنانی که یکی از مردان خانواده همراهشان نباشد، ممنوع هستند. در بانک های سعودی، حسابرسی مربوط به زنان جدا انجام می گیرد.

در عربستان سعودی، به زنانی که محرم به همراه ندارند، اجازه خروج داده نمی شود. این قانون هم در سفرهای درون کشور و هم در سفرهای برون کشوری اجرا می شود. در کشورهای پاکستان و افغانستان نیز تاریخ و اتفاقات پر فراز و نشیبی پیش آمده است، به طور مثال در افغانستان در دوره حکومت طالبان، قوانینی را برای جدایی جنسیتی اعمال می کرد که بسیار سخت تر از قوانین دیگر کشورهای اسلامی بود. زنان افغان در دوره طالبان، مجبور به پوشیدن روبند بودند.

ارزش تلقی می شود." وی در مورد انتقاد هایی که به تفکیک جنسیتی در شهرداری شده، گفت: نباید بترسیم که گاهی کسانی به ما اتهام ارتجاع و عقب ماندگی بزنند. "دفاع از جداسازی محیط کار یک نمونه از ایستادگی بر ارزش های الهی است."

**رهایی زن:** بحث تفکیک جنسیتی و ایجاد تحکم های قانونی برای زنان همواره پیوند عمیقی با بینش های دینی و اعتقادی داشته است و این مساله بخصوص در کشورهای اسلامی که احکام گسترده ی مذهبی دارای محدوده های زنانه و مردانه خاص خود است بیشتر نمود پیدا می کند، لطفا پیرامون شیوه ها و شکل های آن در کشورهای هم جوارمانند عربستان و افغانستان بپردازید؟

**مژگان حاصلی :** اتفاقا سوال جالبی ست نگاه به کشورهایی که تجربه های تحکمی در بحث تفکیک جنسیتی داشتند، می تواند مسیر والگوهای مشترکی را روشن کند. در اسلام، تنها بودن زن و مردی که نسبتی با هم ندارند یا به اصطلاح نامحرم شناخته می شوند در یک مکان منع شده است و از طرفی دیگر دستورات و احکام بسیاری در قرآن و سنت برای چگونگی ارتباط زنان و مردان در نظر

اجازه داد زنان بیشتر از "محرمان" خود با "نامحرمان" معاشرت داشته باشند. وی که سخنان پیش از خطبه های نماز جمعه تهران بود، چنین استدلال کرد که یک زن در ساعات اداری حدودا ۷ تا ۸ ساعت با مردان نامحرم معاشرت دارد که گاه این ساعات ارتباط با نامحرم بیشتر از ارتباط با خانواده می شود که این موضوع به کانون خانواده لطمه می زند و آن را تحت تاثیر منفی قرار می دهد؛ غیرت ما کجاست؟ و بلافاصله در ۱۵ مرداد سخنگوی شهرداری تهران از اجرای این طرح حمایت کرد و در ۱۶ مرداد نیز صادق آملی لاریجانی، رییس قوه قضاییه ایران از اقدام تفکیک جنسیتی در شهرداری تهران دفاع کرد و گفت: "نصوص دینی ما به صراحت اختلاط غیرضروری زن و مرد را نهی کرده است؛ حال باید پرسید چرا برخی خجالت می کشند از ارزش های مبتنی بر نصوص دینی دفاع کنند؟"

رییس قوه قضاییه در جلسه مسوولان عالی قضایی در مورد تفکیک جنسیتی گفت این اقدام "فارغ از گرایش های سیاسی، کاری تحسین برانگیز است، زیرا جلوگیری از اختلاط زن و مرد در محیط کار به دلیل پیامدهایش اهمیت دارد و یک

سوی دوره قاجار و قوانین پس از اسلام پیدا کرد.

**رهایی زن:** هم اکنون جداسازی در محل های عمومی مانند مکان های آموزشی یا ورزشی مانند باشگاه ها و دانشگاه ها به چه صورت اجرا می شود؟

**مژگان حاصلی:** پس از جمهوری اسلامی، مجدد تلاش هایی برای احیای احکام تحمیلی و تحکمی آغاز شد تا به شدت از ایجاد فضاهایی که به گفته آنان ها اختلاط زن و مرد را فراهم می آورد جلوگیری بشود. با قرار دادن مرزها و محدوده های بسیار و حتی گذاشتن نگهبان یا استفاده از ابزار و قوانین این اقدامات صورت گرفته است. جدا سازی مدارس، جداسازی زنان و مردان در اتوبوس ها و مواردی از این دست، که زندگی در خود ایران بهترین گواه بر چگونگی شرایط تبعیض و تفکیک ها می باشد.

البته اسلامی کردن دانشگاه ها هم یکی از اصطلاحاتی است که جمهوری اسلامی هر چند وقت یک بار با تکیه بر آن قوانین خاصی را وضع می کند که در دوران محمود احمدی نژاد از توجه بیشتر به تفکیک های جنسیتی تا حتی اسلامی کردن علوم انسانی نیز پیش رفت، امری که علی خامنه ای در بخشی از سخنانش آن را واجب تر از نان شب دانسته است.

**رهایی زن:** نظرات مختلفی پیرامون تفکیک جنسیتی از سوی مسوولین و یا مقامات در تاکید این امر بیان شده است از جمله صحبت های محسن قرائتی و از طرف دیگر نگاه مردم به آن ها چگونه بوده است لطفا در این مورد هم توضیح بفرمایید.

**مژگان حاصلی:** بلافاصله بعد از مطرح شدن بحث های این چنینی از جای جای ایران افرادی که در مقام های مختلف نظرات خود را بیان کردند.

در افغانستان، پزشکان مرد حق معاینه و درمان زنان را نداشتند و به زنان نیز اجازه معاینه مردان داده نمی شد. همچنین زن حق صحبت کردن با مردان نامحرم را نداشتند و کار کردن و تحصیل نیز برای زنان در افغانستان ممنوع بود، وضعیتی که در بسیاری از کشورهای اسلامی افراط گرا دیده می شود، از عراق گرفته تا بوکو حرام در نیجریه.

**رهایی زن:** لطفا با توجه به پیشینه تاریخی ایران به چگونگی احترام و برابری حقوق زنان و مردان در ایران بپردازید؟

**مژگان حاصلی:** در دوران هایی از تاریخ ایران در پیش از اسلام اسنادی وجود دارد بر رعایت حقوق زنان. قوانینی که نشان دهنده جایگاه بالای زنان در جامعه بوده است، اما پس از اسلام کنترل ها و محدودیت های بسیاری برای زنان در ایران بوجود آمد. اما در دوران معاصر در دوره قاجار در خانه ها و خیابان ها با پشتوانه عقاید مذهبی جدایی جنسیتی وجود داشت که در خانه ها اندرونی و بیرونی مجزا بود، میهمانان زن توسط زنان پذیرایی می شدند و میهمان های مرد توسط مردان. در خیابان های پرجمعیت در ساعت هایی زنان باید از یک پیاده رو عبور می کردند و مردان از پیاده روی دیگر.

همچنین زنان و مردان حق نداشتند باهم در یک درشکه بنشینند، اما در دوره رضاشاه بسیاری از قوانین تبعیض دهنده علیه زنان و مردان برداشته شد و آزادی های بسیاری داده شد و فرصت های اجتماعی بسیاری برای زنان بوجود آمد و این مسیر، رشد بسیاری پیدا کرد تا زمان جمهوری اسلامی. و اما در جمهوری اسلامی، مجدد قوانین، عقب گردی عجیب به

دانشجویان داده می شد اما پس از روی کار آمدن صدرالدین شریعتی، وی از جمله موارد موفق در اجرای این طرح بود.

در میان دانشگاه ها، بعضی از روسای دانشگاه های معتبر کشور از جمله دانشگاه علامه طباطبایی در زمینه تفکیک جنسیتی پیشتاز شدند تا جایی که در این دانشگاه تفکیک جنسیتی دانشجویان دختر و پسر از کلاس ها به رشته ها گسترش یافته است.

سال ۹۰ بود که تفکیک جنسیتی دانشجویان دانشگاه علامه افزایش پیدا کرد و حتی در رشته های یکسان جدایی های زنانه و مردانه بوجود آمد، اما در این میان بیش از هر چیزی، تک تک مردم هستند که از نزدیک در همه شرایط در حال رو برو شدن با این فشارها هستند و همه افراد جامعه هستند که باید در رویارویی با این شرایط، تصمیم در جهت تسلیم بگیرند و یا نافرمانی و یا ایستادگی در برابر قوانینی که حرمت انسانی آن ها را نشانه گرفته است را پیشه خودشان قرار بدهند.

**رهایی زن:** من اعتقاد دارم که نگاهی تحقیر کننده تنها به زنان نیست بلکه توهین به مردان نیز محسوب می شود نظر شما در این مورد چیست؟

**مژگان حاصلی:** کاملا درسته و مدافعان این طرح همواره از استدلال های یکسان با چاشنی آیات و روایات مذهبی از عقیده خود حمایت می کنند اما با اندکی توجه به فلسفه دفاعیات آن ها، تنها به این نتیجه می توان رسید که در ارتباط میان زن و مرد چیزی جز ابعاد ارتباط خاص جنسی نمی بینند، مساله مهمی که در نظر آن ها، در هر صورت بیشترین گناه آن نیز به عهده زنان است که با قرار گرفتن در محیط های

محسن قرائتی رییس ستاد اقامه نماز و مبلغ دینی در مورد اسلامی کردن دانشگاه ها گفت: "جز در موارد ضرورت، باید کلاس های دانشجویان دختر صبح ها و دانشجویان پسر عصرها برگزار شود."

یا به طور مثال ائمه جمعه که از حامیان این طرح هستند بلافاصله نظرات خود را مطرح کردند. احمد علم الهدی امام جمعه مشهد و از حامیان سرسخت این طرح در این باره گفت: "ما نباید فراموش کنیم دانشگاه جای تضارب افکار و اندیشه است اما جای آزادی عملی نیست. در دانشگاه اندیشه آزاد است نه عمل". وی در اثبات مدعای خویش گفت: "دانشگاه محیط آزادی عمل نیست. اگر اینگونه بود دزد می توانست در دانشگاه دزدی کند و جانی می توانست آدم بکشد."

جوادی آملی که از این بحث حمایت هایی داشته است، از روحانیون پیگیر اسلامی کردن دانشگاه هاست. او اعلام کرده است که باید دانش در دانشگاه ها اسلامی شود و آنهایی که گمان می کنند، علم ربطی به اسلام ندارد، بیدار شوند.

**رهایی زن:** کلا برخورد مردم، زنان و مردان که مخالف این تفکیک جنسیتی هستند، چگونه است و اینکه آیا کلا این مساله روز جامعه ایران است؟

**مژگان حاصلی:** مساله روز ایران در واقع مساله اشتغال، وضعیت اقتصادی و رفع فشارهای اجتماعی است. مساله هایی چون حجاب و تفکیک جنسیتی بحث های مهمی است که البته با اجباری کردن و پرداختن بسیار به آن ها سعی می شود توجه عموم را از وظایف اجتماعی- اقتصادی دولت دور کنند.

دانشگاه علامه طباطبایی یکی از دانشگاه هایی بود که در آن در گذشته تا حدودی آزادی عمل به

**توانمندی زن**

**ماریا (یوسفزی)**



به علاوه کارکرد های فیزیکی بیشتر؛ بتدریج توانایی مالی و مالکیت را برای مرد بوجود آورده است.

در جوامع مردسالاری چه با دلیل چه بی دلیل؛ مردان قویتر و برتر پنداشته میشوند. و زنان به نسبت انتخاب طبیعی شان؛ و شرایط اجتماعی برای به دنیا آوردن فرزندان زیاد و تربیت بی وقفه کودکان از محیط اجتماعی دورگردیده اند.

اما مسئله ظلم و زور در آن جا بیشتر مطرح است که علاوه بر اختلاف شخصیتی، جسمی و جنسی؛ برتری خواهی مردان بر زنان در جامعه به عنوان یک فرهنگ سلطه یابد. و زمانی که به روی این واقعیت تلخ و سخت؛ مجوز مذهبی هم علاوه گردد؛ دیگر بزرگترین قدرت سرکوب کننده زن بوجود می آید. در آنجا که بر حرمت، حیثیت و اموراخلاقی زن واقع بینانه و مسئولانه تدبیر و عمل صورت نگیرد؛ پس در باز میشود برای روا داشتن هر گونه تفاوت و تبعیضی وهمین خود توجیه میکند زن آزاری و زن ستیزی

زن ستیزی یکی از دغدغه های بزرگ که امروزه شاید بیشتر از هر زمان دیگر مورد بحث و مسئله آفرین برای حیات انسانی است؛ خشونت علیه زن و برخورد های تخریب کننده شخصیت انسانی زنان میباشد.

خشونت در برابر زنان اصطلاحی است حاکی از یک خصلت انحرافی که همزاد تاریخ انسانی پنداشته میشود و به هر حال پیشینه کهن دارد. از آنجاییکه توانایی جسمی مرد غالباً نسبت به زن بیشتر است و؛

اجتماع متحمل میشوند؛ مریض و بیمار و بدحال بار می آیند. با در نظر داشت مطالعات علمی: هرگاه نگاه برابری میان زن و مرد وجود داشت شاید در تاریخ جلوتر از امروز میبودیم.

میتوان یک علت کلی را بیان کرد ظلم، خوار و محکوم کردن و کنترل بی موجب زنان که زندگی مادی و معنوی آنها را به مخاطره می اندازند موجب میشود که در نوبت خود بدترین مردان را بیرورانند.

زنان در جوامع مختلف با انواع خشونت ها مقابل اند؛ مرزهای فرهنگی، طبقاتی، تحصیلی، قومیتی، رفتاری، زبانی و مذهبی و لو که در قوانین رسمی درست هم شده باشد؛ به علت عادت کهن فرهنگی و روحیاتی به این خشونت ها پر و بال میدهد و از همه چالش برانگیزتر خشونت خانگی زیاد توسط قوانین رسمی و مجاری تنفیذ آنها مهار شده نمیتواند. در ذیل کوشش میکنم تا حد توانم این مشکل کلان را بر رسی نمایم.

را. به همین دلیل زن ستیزی و خشونت بر زن معضلی است که به فرهنگ رایج مبدل گردیده است.

همان قول دکتر هلاکویی: «ما لباس 5 سال پیش را به خاطر مُد نبودن نمی پوشیم ولی فرهنگ کهنه 5 هزار سال پیش را همچنان حفظ میکنیم.»

اما امروز با وصف همه پیشرفت ها در زمینه های اجتماعی، انسانی؛ بهزیستی و حقوق مساوی مرد و زن هنوز هم مسئله زن آزاری و زن ستیزی حاد است و روی میز گفتگو های داغ در سراسر کشورهای جهان میباشد.

خشونت علیه زن همواره تهدید است برای کودکان و نسل آینده که سرنوشت آنها در آغوش زنان و کانون خانواده اساس گذاشته میشود و ازین رهگذر در معرض خطر قرار دارد.

نسل های آینده به نسبت نبود و کم بود امکانات بهداشتی، تربیتی، آموزشی و تغذیه و تفریحات و شادمانی های سالم و همچنان؛ آسیب های روحی و روانی که در کودکی از جانب خانواده و

**افزایش آمار طلاق در**

**ایران**

**فرشته نظام آبادی**

آمار بالای طلاق در ایران یکی از مهمترین دغدغه ها و نگرانیها جمهوری اسلامی در سالهای اخیر افزایش صعودی آمار طلاق است. جدای از تقدس مذهبی که حکومت برای ازدواج قائل است و برعکس آن طلاق را گناهی بزرگ و لرزاننده عرش الهی میداند به طور کلی و در همه جهان البته با دلیل متفاوت رشد نرخ طلاق در جامعه مطلوب نیست. رشد طلاق نشان دهنده وجود مشکلات پایه ای - فرهنگی و اقتصادی در سطح جامعه است و تلاش دولتها و جامعه شناسان پیوسته بر کاهش آمار طلاق متمرکز است. در جامعه ایران اما دلیل

طلاقها کاملاً از نوع دیگری است و تماماً به فرهنگ و سیاستهای جمهوری اسلامی مربوط میشود. عدم برخورداری زنان از حقوق برابر در رابطه زناشویی از مهمترین این عوامل است. زن در رابطه زناشویی چنان از طرف جامعه و قوانین زن ستیز آن تحت فشار است و حمایتی از او نمیشود که کوچکترین مشکلی ناخواسته او را به جنگ آخر یعنی طلاق سوق میدهد. نهایتاً بسیاری از زنان مشکلات حضانت کودک بعد از طلاق و نگاه منفی جامعه نسبت به خود را به جان میخرند و اقدام به جدایی میکنند. پروسه گرفتن طلاق برای زنان در ایران چنان مشکل و مشقت بار است که به تازگی شاهد برگزاری طلاق پارتی ها بعد از انجام طلاق هستیم. جشنی که در واقع جشن پیروزی است بر قوانین عقب مانده و ضد زنی که مانع طلاق زنان میشود. همچنین نبود امکان معاشرت آزاد و زندگی مشترک بدون ازدواج باعث شده زن و مرد پس از هر آشنایی مختصری که شاید در کشورهای اروپایی هرگز به ازدواج ختم نشود صرفاً برای با هم بودن مجبور به ثبت رسمی آن و ازدواج شوند. طبیعی است که در صورت عدم توافق نه یک جدایی ساده بلکه مهر طلاق بر پیشانی آنها میخورد. نقش مشکلات اقتصادی را نیز نباید در این میان دستکم گرفت. مردانی که به دلیل بیکاری قادر به تأمین مخارج خود نیستند شکلی از طلاق های اجباری را به وجود آورده که زن و مرد باوجود علاقه دوطرفه مجبور به پایان دادن به زندگی مشترک خود میشوند. به مقوله طلاق از دیدگاههای مختلفی میتوان پرداخت اما آنچه مسلم است عامل اصلی بالا رفتن آمار طلاق در ایران وجود قوانین ضد زن حاکم و فرهنگ مردسالارانه ای است که حکومت سعی در اشاعه آن دارد. جا دارد به دوران ترس مذهبی از پدیده طلاق از زوایای منطقی تری به تمام جوانب آن پرداخته شود. تغییر قوانین و مناسبات فرهنگی حاکم بر جامعه مهمترین قدم در راه طبیعی سازی روابط زن و مرد در جامعه و کاهش آمار طلاق است./

از سایت و تلویزیون رهایی زن دیدن کنید و نشریه را به دست دیگر دوستانتان برسانید



تشکیل خانواده بی بهره شده و کسی حاضر به تشکیل خانواده با او نیست. من در کل مخالف اعدام هستم و به نظر من با اعدام خشونت ها کاهش پیدا نمی کند بلکه به گفته ی معروف از خشونت خشونت زاده می شود. دولت وظیفه دارد در قبال جامعه و باید جامعه را آسیب شناسی کند. قضاوت در این پرونده ساخت است از یک سو جان ۵ متهم که خود به گونه ی قربانی بیماری های روانی یا مشکلات اقتصادی هستند و از سوی دیگر دفاع از حق ۴ زن باید این پرونده بارها بررسی شود. دولت باید فشار زیادی به دستگاه قضایی و بیاورد و بیشتر تحت نظر داشته باشد این سیستم را زیرا در افغانستان مجرمین بسیار به راحتی با پرداخت رشوت (رشوه) و یا زور اسلحه خود را از زندان خلاص می کنند و دوباره به جامعه بر می گردند و دست به جرایم بیشتر و کلان تری می زنند.

9 اکتبر 2014

قربانی شهوت مردان می شوند به مرور زمان دچار بیماری های روحی و روانی می شوند و افراد فامیل و جامعه هم هنوز بلد نیستند که با چنین اشخاصی چگونه برخورد کنند. به طور مثال در یک هفته مشهد نشر گزارش تجاوز پدران به دخترانشان بودیم این دختران از نظر فرهنگی بدکاره و تعدادی هم از نظر دینی شاید قربانیان را نجس بدانند و ارتباط خود را با آنها قطع کنند و این امر باعث میشود که زنان قربانی روزی ۱۰۰۰ بر بمیرند و زنده شوند. متأسفانه هنوز در افغانستان علم روان شناسی رایج نشده قربانی ها با مشکلات اجتماعی روبرو می شوند. به طور مثال می شود به دختر ۱۸ ساله ی که در حادثه ی پغمان به صورت نا خواسته و با زور پرده ی بکارت خود را از دست داده شایعاتی وجود دارد که این دختر دست به خود کشی زده دلش شاید دلش هم این هست که دختر احساس گناه کرده و یا می داند با ارزش ترین گنجینه خود را از دست داده و سالیان سال از نعمت

در نشست خبری در کابل گفت، حکم اعدام بر پنج متهم رویداد پغمان فردا عملی خواهد شد. و همچنان خبرگزاری های دیگری از اعدام مجرمین در ملامع خیر دادند. کاربران شبکه های اجتماعی هم این خبر را در صفه های خود بازتاب دادند و نظریات خود را راجع به اجرای حکم نوشتند. مثلاً یکی از کاربران اینگونه افراد را به میکروب های جامعه تشبیه کرده و گفته حتی بدون برگزاری محکمه باید اعدام شوند. کاربرد دیگری نوشته خیر باید به حبس ابد محکوم شوند اما تعداد کثیری از اجرای این حکم راضی هستند. تا جایی که تحقیق کردم بیشتر مردم از نظر دینی این حکم را تایید کردند نه از نظر حقوق انسانی. جامعه ی ما یک جامعه ی کاملاً سنتی و مذهبی است و اکثر زنان جامعه از سواد کافی برخوردار نیستند با اینکه اکثراً از جامعه در هستند اما با یک سلسله چالش ها در میان خانواده و اقوام مواجه می شوند پس زنان این حادثه و امثال این زنان که به گونه ی

← وضعیت زنان در افغانستان.... "سحرصامت" برای تجاوز و یا تجاوز گروهی در قانون جزایی کشور وجود نداشت. با این که به نظر من آمار زیادی از مردم به علت مشکلات روحی و یا فقر دست به چنین اعمالی می زنند سیستم قضایی کشور چطور توانسته به این موضوع فکر نکند. این برخورد احساسات تعداد زیادی از هموطنان را تحریک کرد. اما در دادگاه دوم و یا استیناف با در نظر گرفتن قضایای اختطاف، تجاوز گروهی جنسی و غارت های مسلحانه، چور و چپاول اموال و خشونت علیه زنان برای ۵ تن از مجرمین حکم اشد مجازات صادر و به ۲ تن دیگر ۲۰ سال حبس صادر شد. حامد کرزی رییس جمهور اسبق افغانستان هم پس از برگزاری این محکمه حکم اعدام را امضا کرد همچنان روز ۱۵ ماه میزان سال جاری خبرگزاری ها از اجرای حکم اعدام این ۵ تن خبر دادند. به گفته ی اورژانس خبری محصلین افغانستان صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله

## Diana Nammi Women's Right Activist, named Woman of the Years

We, the Iranian and Kurdish Women's Rights Organisation (IKWRO) are so proud to share wonderful news. On Monday 13 October 2014, at a ceremony in Central London, Diana Nammi, our Founder and Executive Director, was honoured with the Woman of the Year award 2014 for her work to protect the rights of Middle Eastern and North African women and to end "honour" based violence, forced marriage, female genital mutilation (FGM) and domestic violence.



<http://ikwro.org.uk/2014/10/womens-rights-activist/#more-2248>

## ترجمه‌ی شعری از: بهرام رحمانی

### «تقدیم به قهرمانان زن و مرد کوبانی»

ترجمه این شعر «ناظم حکمت» را به قهرمانان زن و مرد کانتون کوبانی تقدیم می‌کنم که در برابر حملات وحشیانه نیروهای «خلافت اسلامی» (داعش)، با قامتی استوار و سرافراز برای آزادی، برابری و حفظ حرمت و موجودیت انسانی خود و جامعه‌شان می‌جنگند. «بهرام رحمانی»

JAPON BALIKÇISI

ناظم حکمت : ماهیگیر ژاپنی

مرگ ابری بر سر دریا  
زیر سر یک جوان ماهیگیر ژاپنی-ست  
این آواز را من از دوستان-اش شنیده-ام  
در اقیانوس آرام  
در شبی زردگون زرد.

ماهی گرفتیم، هر که خورد، مرد.  
دست مان را هر که گرفت مرد.  
کشتی مان: تابوت سیاه،  
هر که می-آید روی عرشه این کشتی، زود می-میرد.

ماهی گرفتیم، هر که خورد، مرد،  
نه بی-هنگام، اما آهسته و آرا-م،  
گوشت شان می-پوسد، از هم می-پاشد.  
ماهی گرفتیم، هر که خورد، مرد.

دست مان را هر که گرفت مرد.  
در نمک- باران، در آفتاب خسته-  
این وفادار، این پرکار  
دست مان را هر که گرفت مرد.  
نه بی- هنگام، اما آهسته و آرام گوشت شان،  
آهسته و آرام می-پوسد و از هم می-پاشد.  
دست مان را هر که گرفت مرد...

چشم بادامی، فراموشم کن.  
کشتی مان: تابوت سیاه،  
هر که می-آید روی عرشه این کشتی، می-میرد.  
ابر از سر مان گذشت.

چشم بادامی، فراموشم کن.  
دور شانه- های من آویزان نشو، گل من،  
مرگ از رهگذار من، دامن- گیر تو می شود.  
چشم بادامی، فراموشم کن.

کشتی مان: تابوت سیاه.  
چشم بادامی، فراموشم کن.  
پوسیده- تر از تخم- مرغ پوسیده،  
کودک مرا تو خواهی زاد.  
کشتی مان: تابوت سیاه  
دریامان: دریای مرده.  
انسان ها، آهای، کجایی،  
کجایی؟

1956



این قصه سالهاست که تکرار می شود و آخبار همچنان سرد و گرم شدن هوا را گزارش می دهد و درگیر نشستههای سیاسی شده است که دیگر حکم خاله بازی های دوران کودکی را دارد ... پس همه چی آرام است و من باید فکر کنم به این که مهمانی آخر هفته چه بپوشم ؟ نگران چه باشیم ؟ مگر نه این که همیشه گفته ایم بی خبری خوش خبریست !!

ما را ببخش!

بهاره شرفی

نگران چه باشیم ؟

وقتی گذر زمان هم هیچ چیزی را درست نکرده است ... ما در زندان بی مرز خود تن به عادت این دردها داده ایم... و باید خود را تزئین خوشحالی و بی خیالی کنیم...

ریحانه جان تو هم مانند هزاران ریحانه دیگر در اتاقکی که نه دیوارهایش هم رنگ عدالت است و نه کتاب قانونش هم اندازه حقوق تو، محاکمه می شوی ... و روزنامه ها هم شاید رسمیتی بدهد به نبودنت... بار دیگر قربانی نابرابری ماده های قانونی می شوی که هیچ وقت پا را فراتر از باورهای مردانه نگذاشته است ... ریحانه جان در این جماعت باید بنشیننی و به معجزه فکر کنی شاید خدا هم اینبار از مرد سالاری ها دست بردارد و پیامبری از جنس تو بیافریند ...

گواهی و شهادت تو در هیچ دادگاه اسلامی به اندازه یک طفل هم ارزش ندارد... زن که آدم نیست ناموس مرد است... همه دنیا برایت به پا خواسته اند و ما در این زندان فریادهایمان را هیس می کنیم...

ما را ببخش...

«ما درد مشترکیم» شاید یک روز فریاد شویم ...

شاید هم دست آخر بنشینیمو برایت گریه کنیم...

ما را ببخش...

شدند به بهشت موعود شان نروند برآستی بشر شرم می کند از این اسلام و دین و خدایی که همانند خوناشام ریختن خون را در قوانین ضد بشری اسلام روا می دارد با حکم ضد بشری اعدام مبارزه می کنیم چون تنها راه رستگاری بشر از یوغ استثمار و بردگی و حکومت فاشیست ایران بالا بردن سطح آگاهی مردم مان است. زنده باد آزادی و برابری نابود باد حکومت جمهوری جهل و خرافه ایران.

ایران مدعی ان هستند می کاهد، و طبق آخرین گزارش سال 2012 سازمان عفو بین الملل در چهار کشور ایران، عراق، یمن و عربستان در منطقه خاورمیانه میزان اعدام 50 درصد افزایش یافته است که رژیم فاسد ایران در رتبه اول قرار دارد. در سطح جهانی نیز پس از کشور چین با 413 مورد اعدام رتبه دوم را در اختیار دارد. در سال نخست دولت اخوند شیاد حسن روحانی 814 مورد اعدام اجرا گشته که نسبت به سال قبل افزایش 47 درصدی داشته است. ما باید با این حکم ظالمانه و ضد بشری مبارزه کنیم که شاهد خود کشی کودکی که از طریق الگو برداری از این عمل وقیح خودش را با کمر بند دار زده بود نباشیم باید فرهنگ سازی کنیم که دیگر شاهد پریر شدن نوجوانان و جوانانمان در زندانهای مخوف جمهوری جهل و خرافه نباشیم، تاریخ فراموش نخواهد کرد که اوایل انقلاب چگونه جوانانمان را دسته دسته تیر باران می کردند و آنها را در گور های دسته جمعی می ریختند، و حتی به دختران باکره تجاوز می کردند که وقتی اعدام

البته اکثر کشورهای جهان اعدام را در قوانین خود حذف کرده اند و در میان کشورهای اروپایی تنها بلاروس مجازات اعدام را اعمال می نماید، بیشترین شمار اعدامها در کشورهای چین، ایران، آمریکا، کره شمالی، پاکستان و عربستان سعودی صورت می گیرد این کشورها مسئول 93 درصد اجرای احکام اعدام می باشند.

به گزارش سازمان عفو بین الملل در ایران کشتن و اعدام در ملا عام از سال 2010 افزایش قابل توجهی داشته است و ایران بالاترین امار اعدام نوجوانان در جهان را دارد، و ایران پس از چین بالاترین امار اعدام را در جهان دارد. که اگر به نسبت جمعیت محاسبه گردد باز هم ایران رتبه اول را دارا می باشد. این در حالیست که کارشناسان می گویند اعدام در ملا عام هیچ توجیهی ندارد و تنها اقدامی غیره انسانی و در تضاد با شأن و کرامت انسانها است، عملی که بی رحمی و خشونت در جامعه و شهروندان را افزایش می دهد و از تأثیرات بازدارنده ای که مدافعان مجازات مرگ یعنی سران رژیم ننگین

دهم اکتبر روز جهانی مبارزه با اعدام (نه به اعدام) آکو رضایی



در سال 2002 سازمان عفو بین الملل و سازمان همبستگی جهانی علیه مجازات اعدام روز 10 اکتبر 18 مهرماه را روز جهانی مبارزه با اعدام اعلام کردند.

مجازات اعدام اصل سوم و پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر را نقض می کند، این مجازات که در حقیقت به معنی کشتن قانونی انسان ها به حکم دولت ها است، هم به منزله نقض حق زندگی است (اصل سوم) و هم به مثابه نقض حقی است که احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا بر خلاف انسایت یا شئون بشری باشد (اصل پنجم).

اعدام عمل شنیع و قتل عمد

سازمان یافته ای دولتی ست

علیه اعدام باخیزیم



مدتی قبل خبری بر روی خروجی خبرگزاریهای داخلی ایران قرار گرفت. با اطلاع رسانی دستگیری یک جوان همجنسگرا توسط نیروی فتا در اذربایجان شرقی. خبری بس تلخ و ناگوار برای جامعه همجنسگرای داخل و خارج کشور. خبری که نا امن بودن دنیای مجازی تنها پناهگاه و دلخوشی

همجنسگرایان را یاد آور شود.

ولی در کنار اصل موضوع که بسیار تلخ و ناگوار هست نکته قابل تاملی وجود دارد. با نگاهی به اصل خبر و گفتههای فرماندهی کل نیروی فتا اذربایجان شرقی چند نکته بسیار مهم و قابل توجهی وجود دارد.

که اولین نکته به وجود این اقلیت و عدم بیمار خطاب کردن این گروه از اقلیت جامعه توسط این مقام مسول میباشد.

و آنها را با اسم و هویت اصلی یعنی هویتی با خصوصیات ژنتیک یاد میکند. و در این حال این اقلیت را بخاطر خصوصیات درونی گروهی قابل توجه و داری نگاهی ویژه و احتیاج به مراقبت و حمایت بیشتر از طرف جامعه و حاکمیت نام میبرند. و در این حال بخاطر دارا بودن این خصوصیات خاطر نشان میشود که هستند افراد فاسد و سود جو که از این افراد همجنسگرا سو استفاده جنسی و مالی میکنند و خانوادگی این نوع افراد را به اطلاع رسانی و درست راهنمایی کردن این گروه جنسی طریقی مینماید.

باز هم خاطر نشان میشود که اصل موضوع و اتفاق بسیار دردناک و وحشتناک میباشد. ولی با دیدی مثبت اینگونه صحبت و تغییر نوع گفتار یک مسول انتظامی دستگاه قضایی ایران را میتوان گامی به جلو دانست که جامعه همجنس خواه ایرانی با تلاش و اطلاع رسانی خود با مدام صحبت کردن همه فعالان و حتی هنرمندان در داخل و خارج از کشور توانستن تا این حد هر چند کوچک نوع نگاه جامعه را تغییر دهند.

به امید ایرانی آزاد برای همه ایرانیان با هر نوع نگرش و هویت جنسی

### ← تفکیک جنسیتی نشانی از زن ستیزی و....."مزگان حاصلی"

اجتماعی و کاری، بستر یا شرایط فعل حرام را بوجود می آورند. از طرف دیگر کاملاً به نکته خوبی اشاره کردید این دیدگاه نه تنها نگاهی تحقیر کننده به زنان است بلکه توهین مستقیمی نیز به مردان محسوب می شود و اینکه همواره در محیط کار امکان تعرض مردان به زنان وجود دارد به طور مثال می توان به هجوم سردار طلایی به یک خبرنگار زن از سر "غیرت دینی" اشاره کرد و گفت که "شما حاضرید برای سیاست رسانه از کرامت خودتان هم عبور کنید." مرتضی طلایی، نایب رییس شورای شهر تهران در جلسه شورای تهران در دفاع از طرح "تفکیک جنسیتی" پس از پایان جلسه، به بحث با یک خبرنگار زن پرداخت. طلایی در میانه گفت و گویش برای اثبات دیدگاهش به سمت خبرنگار هجوم برد. طلایی در آغاز گفت و گویش با خبرنگار روزنامه شرق در دفاع از طرح تفکیک جنسیتی این پرسش را مطرح کرد که "شما آیا حاضرید در محیطی که صد مرد تنه به تنهتان می زند کار کنید؟" و این صحبت در واقع نشان دهنده این است که این عقیده تا چه حد نسبت به آقایان هم توهین کننده نگاه می کند.

**رهایی زن:** سوال دیگری که از شما دارم این است که شما هم به عنوان کسی که در این شرایط این توهین و تحقیرها را دیده و تجربه کرده اید چه روشی را برای برای مقابله با آنها پیشنهاد می کنید؟

**مزگان حاصلی:** اما در این بینش تحکمی در واقع چندین مساله مهم نشانه گرفته شده است. یکی از مسایل مهمی که در این مساله هدف قرار گرفته است، محدود شدن حضور زنان در جامعه (نکته مهمی که در این اواخر با سفارش های شدید به افزایش زاد و ولد در ایران) خود را نمایان می کند.

و اینکه این مباحث حتی می تواند ضمیر خفته آن دسته از خانواده های مردسالاری را که انواع محدودیت ها را برای زنان و دختران در خانواده بوجود آورده اند، جان دوباره ای بخشیده و باز آزار و اعمال محدودیت های خانوادگی را افزایش بدهد. فردی که از محیط اجتماعی دور باشد، تماس کمتری با واقعیت ها و دغدغه های جامعه پیرامون خود خواهد داشت. این مساله تا حدی نقش مهمی دارد که می تواند دامنه آموزش و تربیت نسل های آینده و فرزندان را از شناخت حقوق انسانی خود در بر بگیرد.

درمورد اقداماتی که می توان انجام داد اینکه نپذیرفتن هر قانون و دستورالعملی که لازم اجرا می شود و اینکه ساده نگذشتن از کنار آنها از نکات حایز اهمیت است. مقابله کردن با این دستور العمل ها حتی در محیط های اجتماعی و فضا های مجازی. همانطور که در اخبار امروز داشتیم که شهردار تهران مجبور شد دو ماه پس از صحبت هایش در نماز جمعه، این بار در مشهد در چرخش ۱۸۰ درجه ای سخنان خودش را به طور کامل تغییر داد و اعلام کرد که اغراق شده است و از اساس با تفکیک جنسیتی مخالف است.

این چرخش موضع و کوتاه آمدن شهرداری تهران در واقع بدون حضور مخالفت های مردم در رسانه ها و شبکه های مجازی و اعلام اعتراض های خودشان غیر ممکن بود و چه بسا مانند بسیاری از دستور العمل های حکومتی این قانون نیز به شدت بیشتری حمایت می شد. و این نشان دهنده این است که نقش مردم در نپذیرفتن هر قانون تحمیلی که اصول انسانی آنان را زیر سوال می برد و اعلام مخالفت و ایستادگی در برابر آن ها با هر ابزار و وسیله ای که در اختیارشان است از مهمترین روش های زنده نگهداشتن حقوق انسانی ست.

مقاومت کوبانی، مقاومت مردمی در برابر هرگونه بربریت و ارتجاع است، که باید آن را سرمشق قرار داد

پدرم دوشنبه هفته پیش به قصد سفر راهی ارومیه می شود و بستگانمان در ارومیه هرگز او را ملاقات نکردند. در یک تماس چند ثانیه ای می گوید " من رو دستگیر کردند و از کرج تحت تعقیب بدم، به میترا خبر دهید" و دیگر تا همین الان که این متن را مینوسم کوچکترین خبری از سلامتی و محل دستگیری و علت آن، اطلاعی ندارم! بستگانم در ارومیه پیگیر شدند و به آنها گفتند در پاسگاهها دنبالشان نگردید و این دستگیری توسط اطلاعات صورت گرفته است.

**یک هفته شد که از پدرم هیچ خبری نیست و ناپدید شده است!**  
**میترا پورشجری**

به آقای ولایتی زنگ زدم، (فردی در نهاد ریاست جمهوری در امور گذرنامه که در طی یکماه آزادی پدرم دایه مهربان تر از مادر شده بود و در طی بازجویی ها به جای پاسخگویی به درخواست پدرم برای دریافت گذرنامه به وی وعده صدور دفترچه بیمه و انتخاب بیمارستان مورد دلخواه برای درمان بیماری های وی را میداد.) به او گفتم پدرم دستگیر شده است و من جویای علت آن هستم و شما تنها نهادی بودید که پیگیر وضعیت پدرم بودید و لحظه به لحظه دنبالش، او در جواب گفت: پدرت ما را ناامید کرد، ما میخواستیم او را درمان کنیم و به او کمک کنیم ولی او نپذیرفت، پاسپورت او توسط دادگاه توقیف شده بود و اجازه خروج از کشور را ندارد و این تنها کمکی بود که ما میتوانستیم انجام دهیم و او قبول نکرد. من پاسخ دادم: پدر من از شما تقاضای درمان نکرده بود، و چرا در آخرین ملاقاتش با شما، این مساله را نگفتید که در دادگاهی (!! پاسپورتش توقیف شده و الان دارید به من می گوید! گفتم من بیش از 3 سال به هر دری زدم تا پدرم درمان شود و هیچ جویای نگرتم و حتی دادن داروهای ساده را در درون زندان با آن شرایط جهنمی از وی دریغ کردید، چرا با وجود این عذابها پدرم باید اعتماد می کرد و به درمان بیماری خود پس از اتمام دوران محکومیت 4 ساله خود و در شرایطی که یک شهروند آزاد است و تحت مسولیت هیچ ارگانی نیست، به این پیشنهاد مشکوک شما تن دهد؟ کدام را باور کند؟ وی گفت در اولین بحث ما با پدرت او گفت برای درمان بیماری ها و دیدن دخترش میخواهد از کشور خارج شود، ما هم سعی کردیم ابتدا او را درمان کنیم و بعد دیدن شما هم که ان شاءالله میسر میشد!!

(در اینجا دقیقاً منظورش میزبانی از من در اوین بوده است) حال از اینها که بگذریم، یک هفته شد که در بلاتکلیفی و ندانی مطلق از وضعیت پدرم به سر میبرم، بر فرض محال هم که قصد خروج از کشور را میداشت، (که با زمان بندی دقیق امکانی مبنی بر رسیدن او به مرز نیست و عملاً در راه ارومیه دستگیر شده است) چرا باید اینگونه ناپدید شود و امکان اطلاع به خانواده را نداشته باشد؟ چرا ارگانی پاسخگو نیست؟ به چه جرمی باید اینطور بازداشت شود؟ من شدیداً نگران پدرم هستم، او از بیماری های مختلفی رنج میبرد و عملاً دستگیری دوباره و شرایط بازداشت تا همین الان هم برای سلامتی اش مضر و خطرناک است و تحمل دوباره آن شرایط طاقت فرسا تهدیدی برای جانش می باشد. 9 اکتبر 2014

در حال حاضر در اکثر نقاط دنیا که درگیر جنگ و خونریزی هست رد پای دین اسلام و حاکمان مذهبی و گروه های تندرو اسلامی به چشم میخورد.

عراق؛ سوریه؛ افغانستان؛ یمن و غیره همگی دست خوش تندروی های مسلمانان هستند و سالهاست در آتش و خون بسر میبرند. این روزها کوپانی شهری کردنشین سوریه در نزدیکی ترکیه مورد هجوم گروه خونخوار و ضد بشری داعش یا خلافت اسلامی هست؛ حکومت خود خوانده ای که مردها را سر میبرد و زنان را بعنوان برده جنسی میفروشد و در تمام این جنایات ندای الله اکبر سر میدهند.

داعش یک نمایی دیگر از حکومت جمهوری اسلامی حاکم بر ایران هست حکومتی که رهبریش یک دیکتاتور به تمام معنی است و حکم صادر میکند و میکشد و نابود میکند هر آنچه را که بر خلاف حکومتش باشد.

آری برای رهایی باید ریشه دین و حاکمان دروغ پردازش را سوزاند این مکافات که دامان دنیا را گرفته و حقایق تلخ دین جنایتکاران را افشاء کرد. در تمام دنیا هیچکس در امان و آرامش نخواهد بود تا وقتی حکومت های دینی و اسلامی هست. دینی که از شروع و پایه اش برکشتار و دروغ و ریا کاری بنا شده است.

آیا با وجود این جنایتکاران مذهبی میتوان توقع صلح و پیشرفت و آرامش داشت؟ قطعاً با آنچه که امروز در سراسر جهان می بینیم جواب «نه هست.»

باید با دین و حاکمان دینی مبارزه کرد؛ متشکل شد و اطلاع رسانی کرد تا دشمن اصلی که مروجان دروغ پرداز و منفعت طلب دینی و اسلامی هستند از بین بروند تا شاید دنیا روی آرامش ببیند.



**یک واقعیت تلخ و دین سراسر دروغ و کشتار؛ اسلام!**  
**شاهین کاظمی**

به امید نابودی حاکمان و جنایتکاران اسلامی در هر نقطه از دنیا و در راس آنها دیکتاتور مذهبی ایران خامنه ای

ریحانه جباری زن 26 ساله ای است که به اتهام قتل عمد مرتضی سر بندی محکوم به اعدام است و در بحرانی ترین و بدترین شرایط ممکن در زندان های مخوف جمهوری اسلامی ایران به سر میبرد. ریحانه جباری دختر بی گناهی است که تنها جرمش این است که در مقابل تجاوز مامور اسبق وزارت اطلاعات مقاومت کرده و از خود دفاع کرده است و متأسفانه طبق احکام زن ستیز اسلامی محکوم به مرگ شده است. نفرین به جهالت رهبران اسلامی که اگر ریحانه تسلیم میشد حکمش سنگسار بود و حال که دفاع کرده محکوم به اعدام است. ننگ بر دولت مردان ایران که ملت خود را اعدام میکنند و یا به زندان های مخوف میبرند و هیچ گونه عاطفه انسانی در آنها راهی ندارد و ناقض تمامی حقوق انسانیند. حکومتی که قرین با اسلام باشد یعنی اعدام و سنگسار جنگ و خونریزی. اسلام بوی خون میدهد و توحش اسلامی بلای جان ملت ایران شده است. جمهوری اسلامی ایران از بین خواهد رفت و این در حالی است که اسلام و احکام وحشیانه اسلامی را در ایران از بین ببریم.



**اعدام ریحانه جباری**  
**پریا مصیری منجی**

ننگ بر جمهوری فاشیست اسلامی ننگ بر حکومت اعدام



**ریحانه جباری**

**نسیم ملایبی کنمی**

ریحانه جباری زن 26 ساله ای است که به اتهام قتل عمد مرتضی سر بندی کارمند اسبق وزارت اصلاحات در آستانه اعدام قرار دارد. ریحانه جباری متهم این پرونده مدعی است که قتل به علت دفاع در مقابل تجاوز جنسی بوده است و متأسفانه طبق احکام زن ستیز اسلامی و برتری جنسی مرد در کلیت احکام فقهی و احکامی که زن را عموماً تبدیل به یک قربانی در نظام مرد سالار ساخته است و در چهار چوب احکام دیکتاتوری اسلامی زن در مقابل تعرض مردان از نظر حقوق انسانی بی پناه است. ریحانه را محکوم به اعدام کرده است. متأسفانه رهبر دیکتاتور جمهوری اسلامی از خونریزی و قساوت باکی ندارد و اعدام خیانتی است که حاکمان خونخوار جمهوری اسلامی ایران با آگاهی انجام میدهند. حکومت دیکتاتوری اسلامی ایران اعدام را به مثابه اهرم کنترل و فشار در جامعه اعمال میکند و به اشکال مختلف شهروندان ایرانی را به قتل میرساند. همه دنیا باید بدانند که این نظام یک خطر جهانیست و نه فقط برای مردم ایران خطرناک است بلکه تهدیدی برای امنیت منطقه و جهان است. اگر این نظام نابود نشود نوع انسان تهدید میشود و جمهوری اسلامی در ایران باید از بین برود.

**ننگ بر جمهوری دیکتاتوری اسلامی**      **ننگ بر حکومت اعدام**

**نوشته ای برای یک بانو ... که نه دیده شدی... نه شنیده... بهاره شرفی**

دو قلم جنسی که تو می گویی  
آشغال است... و آن همه  
زندگیش... سرمایه اش...  
شاید اجاره خانه اش... شاید  
دوای مادرش... غذای  
کودکش...  
آه... کاش مهربان تر بودی... او  
که نانی از سفره تو بر نداشته  
بود...  
بانو... تمام شد بانو...  
هم برای تو هم برای ما...  
دردهای تو... این قصه افسانه  
ای از خاطر ما... مثل همیشه ما  
زود فراموش خواهیم کرد...  
این روزها بانو همه نخ انسانیت  
را از دستانشان باز کرده اند...  
اما قول می دهم یک روز پیش  
خدا شکایت این نا اهلان بکنم...  
شکایت تو... یا همان زنی که  
چند روز پیش برای سهل  
انگاری آتش نشان ها جانش را  
از دست داد...  
شکایت بچه ای که به جرم دست  
فروشی روانه بیمارستان شد...  
همه دردهایت جواب دارد...  
همان دردهایی که زیر آورش  
ماندی...  
خدایا... این جای زمینت را  
دوست ندارم... این جا آدمهایش  
آدرس مهربانی را گم کرده  
اند...

بزرگیست برای حقارت تو...  
درستش این است... کاش قدری  
مهربان تر بودی نامرد... سنگ  
دل... ریشه ات در کجاست  
آب... یا خاک این مملکت...  
شاید هم در هوایی... هوایی که  
تو را هوایی بهشتی کرده است  
که باید دیگران را همان هایی که  
در مکتب تو نبودند در آتش جهنم  
بسوزانی...  
به واسطه حوریانی که هر شب  
قیل از خواب با چشمانت می  
ستایشان...  
نامرد...  
تن فروشی بهتر است یا دست  
فروشی...؟  
تو چگونه نتوانستی کمی  
بگذری...  
تو کدام فرعون را به خدایی  
گرفته ای؟  
هزار یک دلیل داری... انگ  
زدی می چسبانی... آسایش مارا  
بهانه می کنی... مالیات مغازه  
هارا...  
ماهم نمی فهمیم... اما می دانیم  
احتیاج... هزار تا از این منطق  
های تا نخورده ات را هم به  
صف کنارش ردیف کنی...  
هیچ نمی فهمد...  
کاش ضجه هایش را می  
شنیدی... برای پس گرفتن همان

نباشد که بتوانی در یک لحظه  
همه زندگی را رها کنی...  
یک لحظه بیاندیش...  
باور کن حجم سنگینی میشود راه  
نفست را می گیرد... بغضت  
سنگ می شود...  
بدون اندیشیدن به یک راه نجات...  
همه خودت را تمام کنی...  
درست همان روزی که قرار بود  
باز به خانه برگردی... نان تازه  
بگیری...  
جسارت می خواهد یا حماقت...  
نه... نه جسارت می خواهد و نه  
حماقت... درد می خواهد... آنقدر  
که راحت همه آرزوهایت همه  
امیدهایت... را خاکستری ببینی...  
کاش تو قدری مهربان تر بودی  
برادر... همان برادر دینی...  
نه...  
دین هم وجه اشتراک خوبی برای  
نسبت دار شدن نیست... تو خدا  
را نشناخته مذهبی شده ای...  
آنقدر غرق مذهب شده ای که  
انسانیت را نیز رویش یک ملافه  
سفید کشیده ای... برای  
مردنت... که همه بدانن یک  
انسان مرده است... البته درستش  
یک انسان نما مرده است...  
جمله ام را تصحیح می کنم...  
کاش قدری مهربان تر بودی  
مرد... نه... نه... مرد هم واژه

کاش به گوش مسئولان برسد...  
کاش... دیگر نشنوم برای چند  
دقیقه ایستگاه خط مترو تعطیل  
می شود... چون باز یک نفر  
دیوانه... خودش را به جلو مترو  
انداخته است...  
هرچه سعی می کنم صورتم را  
برگردانم نمی شود چشمهایم را  
که می بندم...  
صدای شکستن استخوان هایش  
زیر آن قطار لعنتی تو گوش هایم  
می پیچد...  
آن صحنه دلخراش را ندیدم، اما  
صدای ضجه هایش تمام حس  
زنانگیم را به آتش می کشد...  
آن قطار لعنتی... کاش مثل  
همیشه در ایستگاه قبل خراب می  
شد... کاش دیرتر روی سکو می  
آمد... ما که عادت داریم به دیر  
رسیدن ها...  
شاید تصمیمش عوض می شد...  
شاید دلیلی... بهانه ای...  
صبری... برای ماندن پیدا می  
کرد...  
صدها بار از خودم پرسیده ام  
چقدر باید درد روی شانه های

**مقاومت مردمی شکست ناپذیر است، به اتحاد و نیروی خود باور داشته باشیم!**

**«من دختری هستم که در هفده سالگی ختنه ام کردند»  
پریسا صفر پور**

برای ادرار و یک حفره برای عادت ماهانه. از همان موقع تا به حال هزارنوع مرض زنانه گرفته ام. قارچ رحم. عفونت ادراری. عفونت دهانه رحم. میل جنسی خرابه میل هست از نظر روانی ولی از نظر جنسی هیچ چیز نداری که خوشحالت کند.

شما هر چقدر توضیح بدهم نمی‌فهمید چه می‌گویم چون شرح دادنی نیست.

**بیهوش شدید؟**

بله به محض اینکه چاقو را گذاشت روی بدنم فهمیدم دارد می‌برد...

**منظور من بیهوش کردن شما قبل از عمل است!**

نه خانم چه بیهوشی؟ فقط از یک شیشه‌ای مثل شیشه پنی سیلین با یک سرنگ بزرگ پنی سیلین یک چیزی مثل آبکشید گفت بی حس می‌کند، زد به اطراف آلت تناسلی ام در کشاله ران زیر شکم و اینها. همان خودش خیلی درد داشت انگار یکهوپی سه چهارتا پنی سیلین بزنند برای شما. بعد از دو دقیقه رفت و برگشت و گفت خوب دیگر دارو عمل کرده و حالا بی حس است. کلی منت گذاشت و پول اضافی هم گرفته بود برای آن دارو که به گفته او کمیاب است و جنگ تازه تمام شده این چیزها را همه‌کس ندارند و گیر آوردنش سخت است و تو تا به حال نجس بودی حالا سر پیری آورده‌اند من بخاطر گل روی مادرت قبول کردم و این حرفها.

**و در تمام مدت شما بسته شده بودید به تخت؟ کمی توضیح می‌دهید چطور شما را بی حرکت کرده بودند؟**

من دختر لاغر مردنی بودم. به نظرم چهل کیلویی بیشتر وزن

اگر یکی هم می‌خواست اعتراض بکند زنان دیگر مانع می‌شدند.

**و سرنوشت شما در آن زیرزمین عوض شد؟**

سرنوشتم فکر نمی‌کنم چون بلاخره ما دخترهای روستایی در آن منطقه به زور شوهر داده می‌شویم بخصوص اگر زیبا نباشیم مثل من و ترشیده هم شده باشیم. در هفده سالگی دیگر من ترشیده بودم. اما روح و روان و جسم را هم از من گرفتند. هنوز خاطره تلخ خاله هایم و مادرم که مرا خوابانند و دست و پاهایم را بستند با من است. تقلاهای مرا با کتک خاموش کردند. بعد زنی که می‌برید و خانم دکتر صدایش می‌کردند، داد و بیداد کرد که کولی بازی در نیورم. من الان خودم در آسپزخانه بیمارستان کار می‌کنم و می‌دانم بعضی‌ها به هرکسی که لباس سفید تن کرده می‌گویند دکتر. این هم خدا خیرش ندهد همینطوری بود حتماً. البته پیر بود و بعدها فهمیدم مادر و عمه هایم را نیز او ختنه کرده است.

**پس زنهای خانواده شما اکثراً خودشان قربانی بودند! ... و با وجود این دخترهای خودشان را هم درگیر کردند؟**

این یک رسم است. کسی به عنوان قربانی و ظلم و اینها نگاهش نمی‌کند. مثل ختنه پسرهاست. برایشان فقط نمی‌فهمند که زن اصل موضوعش برداشته می‌شود. عین اینکه کل آلت تناسلی مرد بریده بشود. من صاف شده ام. انگار فقط شده‌ام یک معذرت می‌خواهم ببخشید، ولی شده ام یک حفره برای مدفوع. یک حفره

**مثل جایی که پزشکها پسرها را ختنه می‌کنند؟**

نه به هیچ وجه! انگار از یک جنگ زده در کابل پرسی خانه ات سونا و جکوزی هم دارد یا نه...

**خودتان خبر داشتید که برای ختنه شدن آنجا هستید؟**

من شنیده بودم از حرفهای عمه و خاله و زنهای دورهم که دختر باید ختنه بشود و اینها. مثلاً دختر خاله‌ام در دوازده سالگی ختنه شده بود. الان فهمیده ام که به تصمیم مادر و جسم دختر هم بستگی دارد. ما دخترها هرگز در این رابطه حرف نمی‌زدیم. خیلی زشت بود از آلت تناسلی و مسائلی که می‌گفتند زن و شوهری است حرف بزنیم. بنابراین من می‌دانستم ولی خیال می‌کردم از سر من گذشته است. نه می‌پرسیدم و نه می‌خواستم بدانم که چرا تا به حال یعنی هفده سالگی انجام نشده است. ولی وقتی بردند برای این کار من خیلی وحشت کرده بودم. دائم می‌گفتم مگر من چه دارم که بخواهند ببرند. باور کنید با خودم روی آن تختی که خوابانده بودند فکر می‌کردم شاید مادرم نمی‌داند آلت تناسلی من چه شکلی است و خیال کرده چیزی اضافه و آویزان دارم. دختر عمویی هم داشتم که می‌دانستم ختنه شده است ولی چون شوهر کرده بود با اینکه همسن بودیم نمی‌گذاشتند هم‌کلام بشویم. یک بار در بیمارستان بستری بودم پانزده ساله بودیم، گفت این مرضهایی که هر دقیقه می‌گیرم دکتر و پرستارها گفتند از ختنه هست. مادرش و زنهای دیگر گفتند خجالت بکش حرف نزن. ساکت. اینطوری دهان امثال او بسته می‌شد که ما نفهمیم. یعنی

می‌گوید بنویسید اسمم گلاب است. سی و هفت ساله و ساکن شهرستانی در استان فارس. از معدود دختران ایرانی است که ختنه اش کرده اند. وقتی یک زن، که طبیعت سهم زیادی از لذت جنسی به او نداده است این را می‌شنود؛ چهره در هم می‌کشد. گویی از پستان آویزان کرده اند. این مصاحبه جزئیات دارد، درد دارد و سانسور بردار نیست.

**ممنونم که قبول کردید با من و خواننده‌ها حرف بزنید اگرچه می‌دانم از نظر امنیت خانوادگی بسیار آسیب‌پذیر هستید.**

حدود سال هشتاد هم برای دختر مالک باگی که برادرم مراقبش بود درد دل کردم و او قول داد اگر با او برای روزنامه‌ای که کار می‌کرد مصاحبه کنم، ناشناس بمانم و کسی بعد از آن مزاحم من و زندگی‌ام نشود. مصاحبه کردم، ولی مسئولین نگذاشتند چاپ بشود. حالا شما که خارج هستید دیگر می‌توانید و راحت هستید. من می‌خواهم مردم بدانند که در مناطقی از فارس، خوزستان، کردستان، آذربایجان، بندرها، سیستان و بلوچستان هنوز اتفاقات اینگونه می‌افتد و به فکر باشند.

**شاید بهتر باشد واضح تر از مشکلاتتان با کمی جزئیات صحبت کنیم. چندساله بودید که ختنه شدید؟**

هفده سالم بود که موقع خودارضایی مادرم مچم را گرفت. خدا می‌داند مثل تابه نان پزی شدم از بس مرا کتک زد. سیاه سیاه شدم. فردای آن روز هم با خاله هایم برداشتند مرا بردند خانه زنی که اینکار را می‌کرد. در یک زیرزمین.

**محل بهداشتی که نبود؟**

**نظرمردهای جامعه کوچک شما در رابطه با این ناقص سازی چیست؟ مثلاً شوهرتان. آیا با او درد دل کرده‌اید؟**

فکر می‌کنند از هزاران سال پیش بوده و باید باشد. مثلاً شوهر من وقتی می‌گویم چیزی از میل جنسی نمی‌فهمم می‌گوید یعنی از من ناراضی هستی؟ یا مثلاً شوهر خواهرم با اینکه جوان است به او گفته اصولاً زن غلط می‌کند به مسائل جنسی فکر کند مگر فاحشه هستی؟

**هرگز تلاش نکرده اید برای آگاه سازی مردم در این زمینه کاری انجام بدهید؟ شما به عنوان یک قربانی بهترین سند برای حل مشکل آیندگان در این زمینه هستید.**

نه خانم اصلاً امکانش برایم نیست. چهاربردارم، پسرهای شوهرم، برادرشوهرهایم و پسرعموهایم همگی چون من در بیمارستان کار می‌کنم چندبار اوائل کتکم زدن. حتی یکبار شوهرم را هول دادند خورد به دیوار پیرمرد، خدا رحم کرد. می‌خواستم بروم پاسگاه شکایت کنم ولی شوهرم گفت سه طلاقه ات می‌کنم اگر چنین غلطی بکنی همینطوری زیادی پر رو شده‌ای دیگر همین یک کارت مانده است. نه متأسفانه همین که با شما حرف می‌زنم شاید یکی یک جایی یک کاری بکنند.

از سگهای نر یک بالش گرد و دراز بزرگ داشت برای ارضاء شدنش از آن استفاده می‌کرد و همه می‌خندیدند و من دلم برای آن بالش می سوخت چون به شدت در زندگی زناشویی شبیه آن متکا هستم.

**از ازدواجتان برایمان می‌گویید و اینکه چرا بچه‌دار نشدید؟**

تا بیست و هفت سالگی از نظر خانواده ترشیده شدم و چون زیبا نیستم و خواهان نداشتم بلاخره به زور مرا به یک مرد پنجاه و شش ساله اهل منطقه خودمان دادند که زن و بچه داشت و می‌گفت از همسرش راضی نیست. در عین حال قول گرفت که بچه نداشته باشیم چون خودش هشت فرزند دارد. چهار پنج سال پیش دام و کشاورزی اش را به بچه هایش سپرد آمدیم به این شهر کوچک تا به گفته او از غرغره‌های پیرزن یعنی زن اولش راحت باشیم. من هم مشغول کار در بیمارستان شدم و او همینکه اعتراض نمی‌کند از نظر خانواده‌ام بهترین شوهر دنیاست. البته مرد بدی نیست حداقل یک سرپناه دارم که اسیر دست زن برادر و شوهرخواهر و نان‌خور آن‌ها وقتی پدر و مادرم بمیرند نباشم. حالا شوهرم پیر شده و کمتر تقاضای رابطه زناشویی دارد ولی بلاخره برای من کمش هم وحشت آور است.

بله همین میل جنسی برایشان دردسر است. می‌گویند که دختر نباید داشته باشد تا خراب نشود و به راه بد نرود. از شوهر هم توقعی نداشته باشد. من بعدها از خواهرم شنیدم مادرم قصد نداشته این کار را با ما بکند ولی وقتی دیده است من خودارضایی می‌کنم خیال کرده به راه بد هم کشیده می‌شوم و خیابانی می‌شوم پس تصمیمش عوض شده است و دو خواهر دیگرم نیز در نه سالگی و پنج سالگی به تیغ سپرده شدند. خاله‌ها می‌گفتند دیگر نگذار مثل این پیر بشوند و زورت نرسد.

البته احتمال اینکه کسی از آن منطقه با شما ازدواج نکند هم وجود دارد یعنی شما را طاهر نمی‌دانند اگر ختنه نشوید. مادرها از وحشت اینکه میل جنسی دختر رشد کرده او را ختنه می‌کنند. البته عده‌ای هم می‌گویند با ختنه نشان می‌دهید وقت شوهر کردنش رسیده است و بالغ شده. ولی خوب طوری آدم وحشت می‌کند که دیگر اصلاً مرد که نزدیک رد بشود می‌میری.

**یعنی میل جنسی تان را از دست می‌دهید و وحشت روانی و مرد گریزی دارید؟**

میل جنسی خیلی کم می‌شود و تو تبدیل شده‌ای به... بگذارید یک مثالی بزنم. در باغ و مزرعه و گله سگهای زیادی داشتیم. یکی

نداشتم. دستهای مرا بسته بودند به بالای تخت. مادرم افتاده بود روی شکم و سینه‌ام تا تکان نخورم. وقتی نفسم داشت بند می‌آمد قول دادم تکان نخورم ولی بعد موقع عمل دوباره افتاد روی شکم و سینه ام. خاله‌های تنومندی هم داشتم که از اطراف پاهایم را گرفته بودند و از لگن چسبانده بودند به تخت تا محل مورد نظر برای مثلاً خانم دکتر قابل رویت و قابل دسترس باشد.

**شما گفتید که از شدت درد بیهوش شدید. یعنی اینکه داروی بی حسی عمل نکرده بود.**

متأسفانه نه چون اطراف جایی که می‌خواست ببرد بی حس شده بود. وقتی کل برجستگی میل جنسی مرا برید و دو طرف لبه‌ها را هم دوخت همه را احساس کردم اما قدرت تکان خوردن نداشتم یعنی یک نوع بیهوشی همراه با درد. درواقع مثل غش کردن. نمی‌دانم چطور توضیح بدهم.

**دلیل ختنه دختران در منطقه شما چه بود گنتاب؟ ما می‌دانیم که در کشورهای مختلف اکثراً در آفریقا و بعضی کشورهای مسلمان این کار انجام شده برای از بین بردن میل جنسی زن یا برخی ربطش داده‌اند به اسلام. آیا برای تو و منطقه شما هم همین موضوع صدق می‌کرد؟**



جامعه بیدار است

از تو خش بیزار است



## شعری از: سراره رضائی

### "برای زنان کوبانی"

#### دختر کوبانی

خواب را از چشم دشمن ربودی  
شجاعتت، جسارتت  
زن بودننت  
لرزه بر اندام اسلامیون انداخت  
شاید خونخواران وحشی داعش  
تن ها را بی سر و سرها را بی تن کند  
اما

#### دختر کوبانی

هرگز نمی توانند، غرورت را بشکنند  
هرگز نمی تواند شجاعتت را از تو بگیرند  
هرگز نمی توانند، انسانیت را سر ببرند!

#### دختر کوبانی

می جنگند  
نه از آن رو که تندخویند  
نه از آن رو که خشونت طلب است  
نمی خواهند همچون گوسفندی  
دست بسته،  
به قربانگاه بازار جنسی، به حراج بگذارندشان

#### دختر کوبانی

در سینه اش دردی ست  
به وسعت تمام دنیا  
خشمی از تجاوز  
از کابوس نابینایی کودکی در زیر نور آفتاب ،  
از دست دادن خانه و کاشانه شان

#### دختر کوبانی

میجنگند  
از برای دوباره دیدن آفتاب؛  
نغمه ها و پایکوبی های شبانه؛  
به تماشا نشستن رقصیدن آتش؛  
دوباره عاشق شدن؛  
شنیدن دوباره قهقه های شیرین کودکانه  
زندگی کردن!

#### دختر کوبانی

انگیزه ای ست برای آزادی  
امیدی ست برای نجات زندگی  
شجاعتی ست برای نابودی خونخواران اسلامی  
نقطه ی عطفی ست در تاریخ مبارزات زنان  
برای زندگی!  
در این دنیای بی رحم  
در این دنیای بی تفاوتی ها!

10 اکتبر 2014

سوراخ‌هایی برای سکوت

گفته‌ای بر ناگفته‌های «وونگ کار وای»  
هر انسانی به شانه‌ای برای گریستن نیاز دارد

آزاد عزیزیان



گاهی فقط یک لحظه کافیست که ایده‌ای چنان به ذهنت برسد که بتواند همچون نور افکنی چیزی را که تا دیروز برایت گنگ بود، چنان روشن کند که انگار اگر چشم‌هایت را نبندی قطعاً کور خواهی شد.

لحظه‌ای بی‌آنکه اراده کنی، چیزی به ذهنت می‌رسد و بیشتر از هر کس شاید این تو هستی که اغواش می‌شوی. این زمانی به ذهنم رسید که استاد بزرگ سینمای شرق را تا حدودی شناختم. اولین چیزی که بیش از همه نظرم را به فیلم‌های «وونگ کار وای» جلب کرد نوع نگاه خاص وی به روابط انسان‌ها با یکدیگر و بخصوص نوع خاصی از رابطه بود که اسم «عشق» را روی آن گذاشته‌اند و این در جامعه‌ای همچون «هنگ کنگ» اتفاق می‌افتد که از بسیاری لحاظ می‌تواند تماشاگر ایرانی را چونان به خود جلب کند که انگار دارد زندگی وی را بازگو می‌کند. جامعه‌ای در مرز مانده که همچنان بخشی از دغدغه‌هایش نمود آن تضادهایی است که دوگانه‌ی شرق و غرب و مدرن و متحجر خود را در انواع مسایل‌اش بازنمایی می‌کند. اما تاکید وونگ بر عشق و پرداخت‌های گوناگون از این مساله در فیلم‌هایش، چنان تهی شدن انسان از رابطه‌ی حقیقی (البته اگر بتوان گفت که در کل چیزی به عنوان رابطه‌ی حقیقی موجود است) و گریزش از هر آنچه تعهد نامیده می‌شود را به نمایش می‌گذارد که هر آنچه غیر از این در اطراف اتفاق می‌افتد، از دید تماشاگر به گونه‌ای بسیار خاص محو می‌شوند.

انگار وونگ همچون نیچه که «مرگ خدا» را بانگ می‌زند، «مرگ عشق» را فریاد می‌زند. انگار «مرگ عشق» تبدیل به تازیانه‌ای می‌شود که انسان را به جرم قاتل بودن شلاق می‌زند.

شخصیت فیلم‌های کار وای دچار نوعی سرگردانی روزانه هستند. کسانی که متفاوت با بسیاری از شخصیت‌های فیلم‌های دیگر کارگردانان، روزانه به شغل‌شان مشغول‌اند و در گیر و دار کار و پیشه‌ی روزانه‌یشان دچار روابطی از این دست نیز می‌شوند. روابطی که از همان ابتدا انگار ناف تعهدشان بریده می‌شود و محکوم به مرگ هستند. در فیلم‌های کار وای دوربین نقشی بسیار عمده را بر دوش می‌گذرد. هر چند به نظر من فیلم‌هایش را نه می‌توان فیلم‌های دیالوگ محور و نه تصویر محور دانست ولی به راستی که هر یک نقش خود را ایفا کرده و انگار دوربین آن پرده‌داری است که پرده‌های چنین جوامع و چنین شخصیت‌هایی را پاره کرده و بخش‌های پنهان و سرکوب شده را برملا می‌سازد. دوربین در بسیاری از موارد نقش آن چشم‌هایی را بازی می‌کند که در پشت پنجره‌ها، پشت دیوارها و پشت درهایی حضور دارند که انسان سرخورده‌ی عصر مدرن آن‌ها را برای گریه کردن به حال خودش انتخاب کرده است و موسیقی انگار دارد دردهای چنین انسان‌هایی را فریاد می‌زند. شخصیت‌های فیلم‌های کار وای زیاد به یاد ماندنی نیستند و البته هدف هم این بوده که به یاد ماندنی نباشند. وی انگار به صورتی کاملاً اتفاقی در یک خیابان شلوغ فردی را انتخاب کرده و به وی گفته است که بیا و در فیلم‌ام بازی کن. انگار هر کس اگر فقط کمی جرات داشته باشد می‌تواند بازیگر چنین فیلمی‌هایی شود.

کار وای درد این یا آن شخصیت تاریخی، ادبی و یا یک شخصیت خاص با مولفه‌های ویژه را بیان نمی‌کند. در بسیاری از فیلم‌هایش اولین تصویری که از شخصیت‌ها دیده می‌شود تصویری از پشت است و این همان نوع نگاهی است که به بیننده‌اش می‌گوید برایت مهم نباشد که این کیست، در خودت هم می‌توانی به دنبالش بگردی. شخصیت‌ها هیچ رابطه‌ای با زمان حال ندارند، انگار یا در کشف گذشته‌ی خود به سر می‌برند و به دنبال آرامشی نوستالژیک هستند که قبل این طوفان وجود داشته است و یا امید به آینده‌ای دارند که شاید رهایی‌ای در آن امکان وقوع داشته باشد و گاهی در میان این دو در جولان‌اند.

به نظر من «وصل» آن واژه‌ی کلیدی‌ای است که در کارهای استاد بزرگ باید دنبالش گشت. کار وای در واقع یک معترض واقعی است. انسان در فیلم‌های وی به شدت تنهاسست. تک‌افتاده و در خلوت. گریستن‌های بی‌صدا است و در خلوت می‌گرید. در فیلم‌هایش اثری از سیاه‌لشکرها دیده نمی‌شود، آن‌هایی که حضور دارند حتماً در جایی و در فاصله‌ای شاید کمتر از یک صدم سانتی‌متر برخوردار با هم داشته‌اند. این آدم‌ها به شدت به هم نزدیک‌اند و شاید همه‌ی آن‌ها یک نفراند که چهره‌های متفاوتی به خود گرفته است. اما در نهایت درد همان درد است و خشم همان خشم. عشق جایی برای بیان ندارد و گریه آخرین سنگری است که انسان بدان پناه می‌برد.

گزارش‌ها درباره 'اسیدپاشی به زنان' در اصفهان - بی بی سی 17 اکتبر 2014 - 25 مهر 1393

## فراخوان مردم اصفهان به تجمع اعتراضی علیه اسید پاشی در مقابل دادگستری



در روزهای اخیر گزارش‌هایی درباره مواردی از اسیدپاشی به زنان در اصفهان، از شهرهای عمده ایران، منتشر شده است. پلیس دست‌کم وقوع دو مورد از آنها را تایید کرده‌اند اما در برخی از رسانه‌ها حرف از موارد بیشتری از این حمله‌هاست.

در شبکه‌های اجتماعی این گمان مطرح شده که قربانی این سوءقصد‌ها، زانی هستند که پوشش آنها کمتر از چیزی است که مقام‌های حکومتی تایید می‌کنند.

خبرگزاری ایسنا گزارش داده است چهارشنبه‌شب در یکی از محلات اصفهان که کمتر سنتی است، دو مهاجم موتورسوار به صورت یک زن جوان اسید پاشیده‌اند.

پلیس ایران این حادثه را تایید کرده است. به گفته شاهدان حادثه در خیابان مهرداد این شهر، صورت و دست زن قربانی به شدت سوخته است و او در بیمارستان بستری شده است.

ایسنا همچنین از شایعاتی گزارش داده در این باره که این چندمین مورد از اسیدپاشی به صورت زنان در روزهای اخیر در اصفهان بوده است.

یک شاهد عینی حادثه چهارشنبه‌شب نیز به این خبرگزاری گفته است که در هفته‌های اخیر چند بار درباره "اسیدپاشی به زنان جوان" در اصفهان شنیده است.

این شهروند گفته که زن قربانی، "حجاب معمولی" داشته است.

[http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2014/10/141016\\_u08\\_isfahan\\_hijab\\_attacks?SThisFB](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2014/10/141016_u08_isfahan_hijab_attacks?SThisFB)

## جزئیات بیکاری ۱,۵ میلیون جوان زیر ۳۰ سال/ بیکاری زنان ۴۴ درصد شد- روشنگری 28 مهر 93

خبرگزاری مهر-گروه اقتصادی: با وجود کاهش ۲۸۰ هزار نفری تعداد جوانان جویای کار زیر ۳۰ سال کشور در فاصله یکسال گذشته، اما بیکاری جوانان همچنان بحرانی و بیش از ۲ برابر نرخ بیکاری عمومی است. نرخ بیکاری جوانان تا ۳۰ ساله در تابستان امسال بین ۲۰ تا ۲۳ درصد و نرخ بیکاری زنان جوان نیز بین ۳۹ تا ۴۳,۶ درصد بود. براساس آخرین گزارشات مقامات دولتی، نرخ بیکاری جوانان فارغ التحصیل دانشگاهی دستکم ۴۳ درصد است.

به گزارش خبرنگار مهر، یکی از مهم‌ترین مسائلی که درباره بازار کار ایران به عنوان یک مشکل جدی وجود دارد، جمعیت بالای متقاضیان کار جوان زیر ۳۰ سال است. در واقع، این گروه سنی مهم‌ترین و جدی‌ترین گروهی است که به دنبال کار هستند و حل مسئله بیکاری در این بخش، به معنای عبور کشور از بحران بیکاری خواهد بود.

اینکه صدها هزار جوان جویای کار در کشور هفته‌ها، ماه‌ها و بلکه سال‌ها را منتظر یک فرصت برای ورود به بازار کار باشند در مقابل کشش پایین جذب کارجویان از سوی بازار کار کشور، باعث نوعی انباشت بیکاری در کشور شده و متأسفانه هر ساله نیز بر آمار بیکاران جوان کشور افزوده شده است.

براساس آخرین اعلام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور برابر با ۲۲,۹ درصد و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله نیز معادل ۲۰,۲ درصد است که این میزان بیش از ۲ برابر نرخ بیکاری عمومی کشور و نشان دهنده ادامه بحران بیکاری جوانان است.

ورود سالیانه دستکم یک و نیم میلیون نفر به دانشگاه‌ها و خروج آنها در یک دوره ۲ تا ۴ ساله به امید یافتن شغل از دانشگاه، مسئله‌ای است که به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های اشتغال کارجویان جوان در حال حاضر به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور شناخته می‌شود.

## برای همکاری با سازمان رهائی زن می‌توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تماس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس: 00447862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: **مینو همتی**

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

استکهلم: **پری زارع**

تلفن تماس: 0046762308064

**رعنا کریم زاده**

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: **سالار کرداری**

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: **شراره رضائی**

تلفن تماس: 004915210189801

ایمیل: [Shararehzeaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzeaei.p@googlemail.com)



تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "ملت برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت

تهران و بازه‌نخ، شنبه 17:30 به وقت تهران می‌توانید بیننده تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

میوه‌تی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و مشکلات زنان در ایران و خارج از

ایران را با میهمانان برنامه به بحث میگذارد.